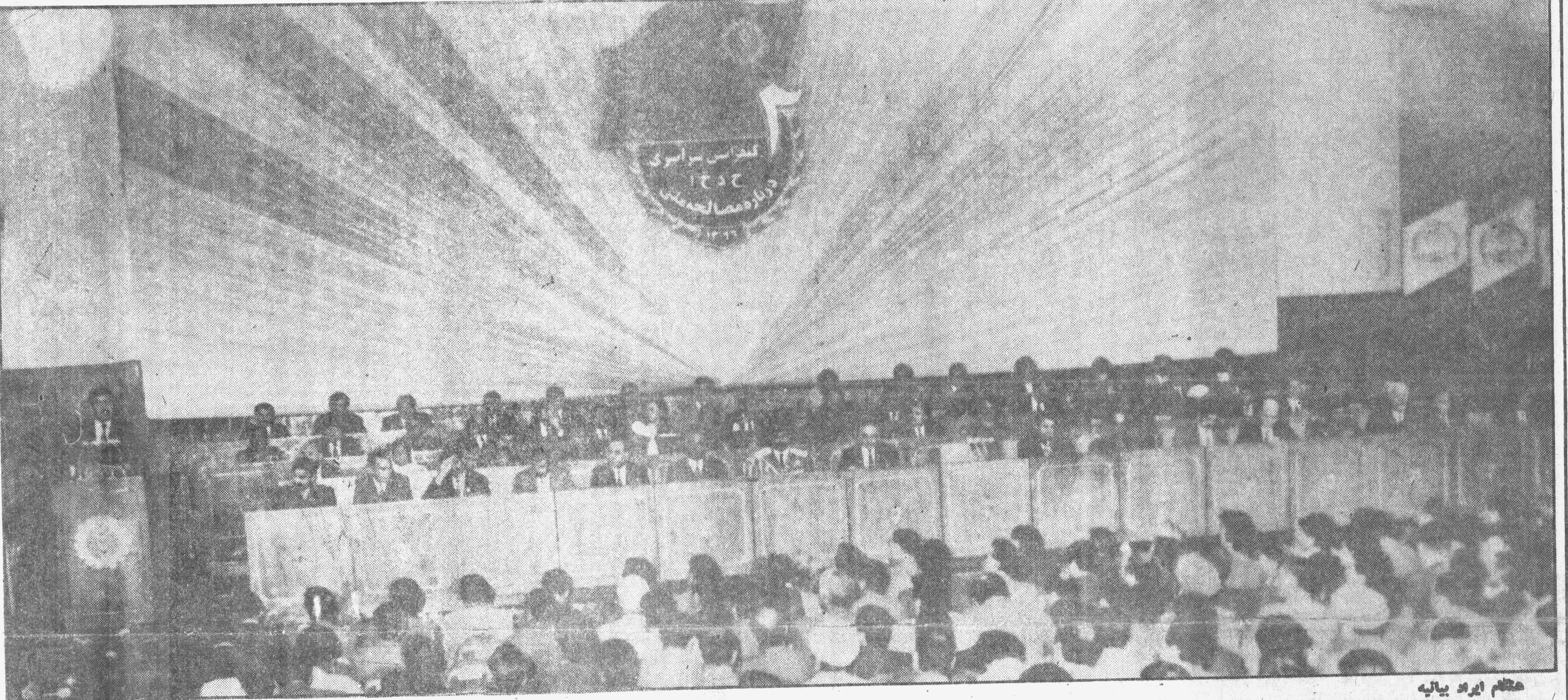
دیروز دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا، گشایش یافت



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

دوشنبه ۲۷ میزان ۱۳۶۶
Oct, 19, 1987.
سال هشتم شماره ۳۹
شماره مسلسل ۱۸۹۳
سال تاسیس ۱۳۵۹



هنگام ایراد بیانیه

عکاسی باختر

روز اول کار کنفرانس



دیروز ۲۶ میزان دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا، درباره مشی مصالحه ملی بنام (صلح، آشتی ملی) بعد اوج شور، ابراز احساسات رفیقانه و همبستگی انقلابی نماینده گان منتخب کمیته ها و سازمانهای حزبی از سراسر کشور در کابل گشایش یافت.

در جلسه افتتاحیه کنفرانس که ساعت ۹ قبل از ظهر دیروز در انستیتوت پولی تخنیک کابل دایر گردید، رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا، اعضای بیروی سیاسی و اعضای دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا اعضای کمیته مرکزی حزب، ۶۷۷ نماینده منتخب در دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا، اشتراک نموده بودند.

همچنان در این جلسه سفرا و برخی از اعضای کور دیپلوماتیک کشور های دوست مقیم کابل نیز اشتراک داشتند.

هنگامیکه رفیق نجیب الله همراه با اعضای بیروی سیاسی واعضای دارالانشای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا وارد تالار گردیدند شرکت کننده گان کنفرانس بپا خاسته با ابراز احساسات پر شور انقلابی وکف زدن های پیهم از ایشان استقبال بعمل آوردند.

در آغاز ارگانهای رهبری کننده، اجندا و طرز پیشبرد کار کنفرانس به اتفاق آراء مورد تائید وتصویب شاملین کنفرانس قرار گرفته، کار کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال رسماً آغاز یافت.

جلسه قبل از ظهر دیروز تحت ریاست رفیق صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. دایرگردید در آغاز این جلسه رفیق نجیب‌الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا. گزارش کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. را در مورد وظایف ح.د.خ.ا. جهت تسریع پروسه مشی مصالحة ملی و پیرامون برخی تعدیلات در برنامه عمل ح.د.خ.ا. ارایه نمودند که مورد علاقمندی و توجه خاص نماینده‌گان منتخب قرار گرفته با ابراز احساسات و کف زدن های پیهم از آن تائید و پشتیبانی‌بعمل آمد.

به تائید از گزارش اساسی کنفرانس رفیق ظهور رزمجو عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و منشی کمیتهٔ حزبی شهر کابل و رفیق محمد رفیع‌عضو بیروی سیاسی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. و وزیردفاع ج.د.ا. ابراز نظر نموده تائید و حمایت قاطع شانرا از محتوای گزارش اساسی اظهار کردند.

بعداً رفیق نیاز محمد مومند عضو بیروی سیاسی و منشی کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. گزارش کمیسیون اعتبار نامه کنفرانس‌را قرائت نمود.

در جلسه بعد از ظهر کنفرانس که تحت ریاست رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس



شورای وزیران ج.د.ا. دایر گردید ابتداء رفیق سلطانعلی کشتمند

پیام تبریکیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را که عنوانی شرکت کننده گان دومین

(ص ۷)

گزارش به کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا

در باره وظایف حزب جهت تسریع پروسه مصالحه ملی وپیرامون برخی از تعدیلات در برنامه عمل ح.د.خ.ا

بیانیهٔ رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا.

رفقای نماینده!
همکاران مبارز!

مهمانان ارجمند، نماینده‌گان سازمانهاو احزاب وطنپرست وصلحدوست!

امروز بار دوم است که فعالین حزب بعد از پیروزی انقلاب ثور به یک کنفرانس با اعتبار بخاطر حل و بررسی دسته جمعی مبرمترین وظایف حزب و همچنین مسایل کلیدی رشد و تکامل جامعه افغانستان گرد هم آمده اند.

کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. گزارشی درباره وظایف نوبتی حزب جهت تسریع پروسه مصالحه ملی و برخی تعدیلات دربرنامه عمل ح.د.خ.ا را به معرض بررسی ومباحثه نمایندگان محترم واز طریق ایشان بدسترس تمام اعضای حزب قرار میدهد. سایر مسایل شامل آجنداکنفرانس ما بهر پیمانهٔ که هم با اهمیت باشند، در نهایت امر به حل این مسئله مبرم بستگی دارند.

زندگی، مردم افغانستان‌را در برابر انتخاب دشوار قرار داده است، یعنی اینکه یا مصالحه ملی تحقق پذیرد و یا خونریزی وبرادر کشی ادامه یابد. درینجا راه سوم وجود ندارد. ح.د. خ.ا، بمثابه پیشاهنگ آزموده شده ومتشکل مردم افغانستان باید به این سوال حیاتی پاسخ مکمل بدهد.

با درنظر داشت این واقعیت جدی و سر سخت، ما به تحلیل راه پیموده شده پرداخته واهداف جدید را تعیین مینمائیم.

از اولین گامهای حزب قهرمان ما، از نخستین برنامه(مرام) مبارزه در راه «صلح، سعادت و ترقی مردم بمثابه ستاره رهنمای آن در عمل بوده ومیباشد.

نتیجه گیری تاریخی درباره اولویت منافع صلح ملی باگوشت و پوست حزب ما امتحان شده است و به ایدیولوژی ودرفش او مبدل گردیده است.

مردم ما و همچنین نیرو های سالم مخالف بیش از پیش درک میکنند که حل مسایل حاد با زور وسلاح نه تنها کار جنایتکارانه ومغایر اخلاق میباشد، بلکه بی مفهوم و غیر ممکن نیز است. تنها راه، یعنی‌راه توافق‌ملی وديالوگ سازنده وجود دارد. آن جانب پیروز میگردد که از راه صلح‌آمیز دفاع کرده بتواند. این راه الترناتیف دیگری ندارد.

در برنامه عمل ح.د. خ.ا، انقلاب‌ثور به عنوان انقلاب ملی ودموکراتیک، انقلابی که ترقی ملی را از طریق تحقق تحولات وسیع دارای خصلت دموکراتیک تامین میکند، تعریف‌گردیده است. انقلاب ما انقلاب پرولتری وسوسیالیستی نیست. وصرفنظر از آن چه که مخالفین میگویند، حزب ما حزب کمونیستی نیست. بعضا از ما سوال میکنند که شما انقلاب و سیستم سیاسی جدید آنرا منحیث پدیده های دارای خصلت همگانی و مردمی‌تشخیص مینمائید، آیا ما برخورد طبقاتی وانقلابی مانرا از دست نمیدهیم، واز مواضع قبلی عقب نشینی نمیکنیم؟

(ص ۲)

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیه رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص اول)

با یقین کامل اعلام میدارم که نه ! مامو ضعگیری های اصولی خویشرا ازدست نمیدهیم وتسلیم نمیکنیم. حزب واقعی انقلابی بربایه و اساس علمی فعالیت نموده واقعیت عینی را همه جانبه درنظر میگیرد . از شتابزده‌گی و جستن از مراحل تکامل احتراز میکند . مردم میگویند :((باغبان خوب میوه خام را از درخت نمی چیند .))

تثبیت خصلت همگانی و مردمی انقلاب، حزب را بااین نتیجه گیری مجهز میسازد که در جامعه افغانی طرح وابتکاربرنامه ها و پیشنهادات جدید باید از نیرو های مختلف اجتماعی اعم از کارگران، دهقانان ، روشنفکران متشبثین ملی، روحانیون اقشار دیگر اجتماعی منشاءبگیرد، وظیفه پیشاهنگ انقلابی عبارت از آنست که چنین ابتکارات را نفی نکند ، بلکه از محتوای عام دموکراتیک ومترقی آنها باتوجه و فعالیت پشتیبانی نماید. ازین برمی آید که در طی مرحله جاری تامین اتحاد وسیع مردم پیرامون مسایل دارای اهمیت حیاتی نه تنها امکان پذیر است ، بلکه بطور عینی مشروط میباشدآنانیکه تلاش دارند تا امر انقلاب ما رادر برابر منافع مردم افغانستان قرار دهند ، عمیقا اشتباه مینمایند.

رسیدن به ترقی همه جانبه‌کشور بخاطر مردم از طریق و حدت و همبستگی آنان عملی میگردد. این امر امروز ، زمانیکه میان تمام طبقات اقشار و گروه های‌اجتماعی علاقمندی مشترك بخاطر صلح وجود دارد ، خاصتا ملموس است . بدین ترتیب در باره این که انقلاب ما و سیاست مصالحه ملی مولود زندگی موجود است، وخصلت مردمی دارد به مهمترین نتیجه گیری علمی میرسیم، یعنی اینکه حزب ما و حاکمیت انقلابی ساز مانده و رهنمای آن میباشند.

راه طی شده درك ما را با محتویات واهداف انقلاب ملی ودموکراتیك عمیقاً غنا بخشید. زمان آن فرا رسیده که تجربه کسب شده بصورت عینی نقادانه بمثابه ثروت تمام حزب مورد بررسی قرار داده شود. لنین‌کبیر دعوت میکرد : «نه فقط حرف هائی راکه احزاب درمورد خود میگویند ، بلکه کار ها یی را که آنها انجام میدهند ، باید بررسی کرد ». (کلیات جلد۲۱ صفحه ۲۷٦).

سوال را اینطور مطرح مینمائیم که دستاورد های ما در طی پنج سال اخیر بعد از نخستین کنفرانس سر تا سری کدا مهااند؟

از اینجا آغاز میکنیم که دستاورد عمده پنج سال اخیر عبارت از رشد متداوم انقلاب‌ثور، استحکام دستاورد های آن، زندگی و فعالیت حزب ما منحیث نیروی عمده و با اعتبار میباشد. بار ها صداهای سیاه ،مرگ‌انقلاب ما را ، مرگ حزب ما را پیش گوئی کردند و لی علی الرغم این هیاهو انقلاب مازنده است و بسط و توسعه مییابد . حزب مامبارزه میکند و رشد مییابد . حزب توانست پلینوم ۱۸ تاریخی کمیته مرکزی ح.د. خ.ا ، کنفرانس سر تاسری‌حزبی کنونی‌رادایر نمودوبا نتایج وزین به آن برسد.

در بخش قابل ملاحظه قلمرو افغانستان نخستین انتخابات واقعاً دموکراتیک برگزار شده وارگانهای محلی واقعاً مردمی قدرت و اداره دولتی ایجاد شده اند . این امر پنج سال قبل‌وجود نداشت .

تلاش پر شور در راه صلح و آرزوی قطع هر چه سریعتر جنگ برادر کشی باعث شد تا ما سیاست مصالحه ملی را اعلام نمائیم و عملی سازیم هیچ یك از شعار های حزب مانند مصالحه ملی با چنین پشتیبانی وسیع مردمی استقبال نگردیده بود . مردم، نیروی اصلی عملی کننده این سیاست را تشکیل میدهند .این دستاورد تعیین کننده مرحله سپری شده است .

مردم زحمتکش ما باوجود اینکه در شرایط دشوار جنگ کار میکنند ،شاخص های اقتصادی کار عملی ، از شاخص های اقتصادی قبل ازانقلاب بالا تر است . این عظیم‌ترین‌پیروزی نظام جدید است که نشاندهنده‌خصلت مترقی و قابلیت زیست آن‌میباشد .

مردم آزادی ، حق کار، حق تحصیل وکمك های طبی را بدست آوردند . در قانون اساسی جدید این حقوق با خط زرین ثبت خواهند شد .

مکاتب و شفاخانه های جدید، منازل جدید رهایشی ، مبارزه پیروز مندانه برای امحای‌بیسوادی که مدال یونسکو را نصیب‌کشور ما ساخته است ازجمله مشخصات سیاست اجتماعی ما است که علی الرغم جنگ و صرف نظر از اینکه ٦۰ فیصد بودجه بخاطر دفاع وطن بمصرف میرسد ، بدست آمده است .

طی سالهای گذشته قوای مسلح پر افتخار ما بطورقابل ملاحظه تکامل‌و استحکام یافته‌اند، آنها عملیات محاربوی را پیش میبرند باند های افراطی راسر کوب و کاروانهای حمل سلاح آنها را دستگیر میکنند و دیپو ها ومراکز نظامی افراطیون را موفقانه از بین میبرند . بعد از اعلام مشی مصالحه ملی ، زمانیکه افراطیون تلاش میورزند تا از آتش‌بس یکجانبه به نفع خود استفاده‌کنند، وظایف قوای مسلح ما بیش‌ازپیش مهم گردیده است .

اعتبار بین المللی کشور و حزب ما ارتقاء نموده است . گام های عملی در راه حفظ افغانستان به‌حیث‌یک‌کشورمستقل،غیرمنسلك ودارای حاکمیت ملی برداشته شده است . دوستی افغان‌وشوروی بسط و توسعه می یابد. اندیشه های انترناسیونالیزم‌وهمبستگی انقلابی نیرو های مترقی کشور های جهان با ج.د.ا ، استحکام یافته بصورت خلاق رشد مینماید. این امر نیز یکی از مهمترین نتایج سیاست خارجی ما ،طی پنج سال اخیر است .

ما امروز به نمایندگی از حزب و به نمایندگی ازاین کنفرانس عالی ، سپاس خویشرا به کارگران ،دهقانان ، پیشه وران، تاجران ،روشنفکران ارجمند، روحانیون و مشران محترم ، سربازان، افسران و جنرالان شجاع، جوانان پر افتخار و اعضای واقعی ووطنپرست حزب ابراز میداریم .

تشکر از شما هموطنان عزیز. از کار و قهرمانی های شما ، از خرد، صبر و حوصله شما . بگذار سپاسگذاری قلبی ما برقله های شامخ هندوکش طنین افگنده ،به‌هرخانه وکاشانه برسد. بگذار این سپاسگذاری ما ضعیف ها رانیرومند ونیرومند ها را شکست نا پذیر بسازد . ما به‌راه انقلاب، به راه صلح وترقی ، میرویم ،حتماً پیروز میشویم.

امروز در صفوف ما دوستان عزیز و رفقای رزمنده ما که سینه های خویشرا سپر وطن، انقلاب و حزب ما ساختند ، وجود ندارند.

ولی‌حزبی های واقعی‌هیچگاه‌نمی میرند ، امر قهرمانانه آنها، قرنها وقرنها زنده خواهد ماندبه افتخار آنها بپا خاسته ویك دقیقه سکوت میکنیم .

رفقا ! بیائید بخاطر بیاوریم که سیاست مصالحه ملی چگونه پرورش یافت و بوجود آمد ،چطور حزب دموکراتیک خلق افغانستان این گام تاریخی را بر داشت ، چطور از خود ابتکار سیاسی نشان داد که مشابه به آن درجنبش آزادیبخش جهان عملا وجود ندارد .

با تحلیل بنیادی از سالهای بعد از انقلاب، که بعد از پلینوم ۱۸ کمیته مرکزی صورت گرفت ، ما متیقن شدیم که علی الرغم هر نوع تلاش و قربانی ها تاکنون هیچ یك از مسایل حیاتی جامعه افغانی از راه نظامی حل نشده است . طوریکه واضح است، در باره جستجوی راه جدید، یعنی التر ناتیف جنگ ، ما برای اولین بار در پلینوم ۱٦ کمیته مرکزی ابراز نظرنموده‌بودیم، اماحزب‌دموکراتیك خلق افغانستان، به اجرای فعالیت عملی ، جهت پیاده نمودن تصامیم‌آن‌پلینوم ،عملاگام‌برنداشت این امر عللی داشت . عدم موجودیت پیگیری، اصولیت مروج در حزب، فاصله بین حرف وعمل، بی اعتنائی خود خواهانه در برابر منافع عمومی بخاطر منفعت شخصی ،تکبر اداری که تاثیرمنفی آنها در حزب ریشه دوانده است.

در پلینوم ۱۸، وبخصوص، در پلینوم ۱۹ کمیته مرکزی‌برای اولین بار حزب کمبودی ها و غفلت های اساسی کار خویش و دلایل پیدایش آنها رابر جسته ساخت. اما تنها انتقاد، هر قدرکه سازنده هم باشد ، صرف نصف کار است . تا حال هیچکس موفق نشده است که با سر زنش از خود اعتبار سیاسی کسب نماید. نظریه سازنده رسیدن به صلح و امنیت، دریك مجموعه واحد و غیر قابل تجزیه تیوری و پراتیك وبادر نظر داشت کامل‌مشخصات مختص به افغانستان ضرور بود. در جریان مشوره ها و صحبت های مفصل و طولانی با اعضای کمیته مرکزی ، علماو مشران‌پروگرام صلح ملی که میتوانست از راه مصالحه عملی گردد بتدریج دقیق میگردید و شکل میگرفت .

پلینوم بیستم و بخصوص پلینوم فوق العاده کمیته مرکزی در مشخص ساختن ،ترتیب و تنظیم طرح این مفکوره واقعبینانه نقش مهمی را بازی کردند .

در این کارما از میراث بنیاد گذاران تیوری علمی انقلابی و تجربه احزاب برادر کمك همه جانبه گرفتیم . سیاست مصالحه ملی ، طوریکه ما آنرا درك میکنیم بطور ارگانیك با سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز پیوند ناگسستنی دارد .این سیاست‌یکی از جانب نظریه آزموده شده و دکترین لنینی صلح میباشد . سیاست مصالحه ملی طوریکه ما آنرا درك مینمائیم برپایه و اساس آموزش لنین در بارهٔ‌سازشها‌بودهو‌بر‌تجارب‌استفاده از آنها درکشور های مختلف‌مبتنی میباشد .

سیاست مصالحه ملی ، طوریکه ما آنرا درك میکنیم، تجربه تاریخی رشد مترقی و انساندوستانه جامعه را تجسم بخشیده و علاقمندی تمدن بشری را نسبت‌به نفی جنگ بمثابه وسیله حل مسایل سیاسی تبارز میدهد.

سیاست مصالحه ملی طوریکه ما آنرا میدانیم ، پایه و اساس عمده ترین اهداف ح.د. خ.ا‌جهت حل وفصل پرابلمهای ملی را مبتنی بر فلسفه وطرزتفکر جدید سیاسی که‌حق زندگی انسانو حفظ‌صلح جهانی را بمثابه عالیترین ارزش خویش میداند ، تشکیل میدهد.

سیاست مصالحه ملی به شکل فشرده آن عبارت است‌از:

- ارزیابی واقعی و همه جانبه اوضاع در کشور .
- حل و فصل پرابلمهای مربوط به زمان حال و آینده افغانستان از نقطه نظر تقدم منافع مشترك مردم بر منافع طبقاتی، حزبی ، ایدیالوژیك، طایفوی ، قبیلوی و قومی محدود .
- کوشش برای حل مسایل انباشته شده از طریق سیاسی .
- برخورد غیر متعصبانه نسبت به دیگر نیرو های سیاسی که‌علیه جنگ اعلام ناشده عملا مبارزه میکنند .
- اجرای صادقانه و متقابل شرایط آتش بس .
- اشتراك در دیالوگ صلح آمیز ، جستجوی راه های توافق ملی .
- بذل کمك به عودت کننده‌گان .
- دفاع از زنده‌گی صلح‌آمیز هموطنان .
- اثبات قانع کننده اینکه حرف های ح.د. خ.ا ، و حاکمیت مردمی خلاف عمل آنها نبوده و مبارزه شجاعانه را در راه نجات وطن ومردم پیش میبرند . به عباره دیگر مصالحه ملی پاسخ به این سوال است که چگونه جنگ برادر کشی ختم واز امحای خودی افغانها جلو گیری گردد .

بعد از پلینوم فوق العاده کمیته مرکزی ده ماه گذشت. اگر دقیقتر بگوئیم ۲۷٤ شبانه روز سپری گردیده است ، که البته برای تاریخ ملت خیلی کوتاه است . اما برای حزب ما که در راس مشی سیاسی جدید قرار گرفته زمان کوتاه نیست . ما زمین را قلبه و کشت کرده بودیم و اکنون اولین ثمر های آنرامشاهده مینمائیم. (۱٦۰۰)قریه به حاکمیت مردمی پیوسته و فعلا(۸ر۵) هزار قریه را تحت کنترول خویش قرار داده ایم (اضافه تر از ثلث تمام قریه های مسکونی کشور) علاوه بر این تمام (٤٥) شهر کشور منجمله تمام مراکز ولایات وهمچنین ۲۱٤ ولسوالی و علاقه داری تحت کنترول ما قرار دارد.

ولایات فراه و نیمروز عملا بطور مکمل از وجود افراطیون آزاد گردیده اند و مردم سر زمین خویشرا بحیث منطقه صلح اعلام نموده اند . منطقه صلح در هزاره جات در حال ایجاد است . این منطقه عبارت از پنج ولایت ،۳۸ ولسوالی و اضافه تر از هفت هزار قریه‌میباشد. آینده‌خوب‌برای هرات‌وکنهار در نظر گرفته‌شده است تاالحال ۹۰هزارنفر از کمپ های پاکستان وایران بوطن خویش عودت نموده‌اند . این تعداد میتوانست چندین بار بزرگتر باشد ، زیرا که ۸۰ فیصد مهاجرین مایل اند تا بخانه های خویش عودت نمایند . اما اسلام آباد و تهران در راه حل و فصل عادلانه این پرابلم موانع ایجاد میکنند ۳۰ هزار نفر از ۱۷٤گروه مسلح به حاکمیت مردمی پیوسته و یکجا با آنها بیش از یکصد هزار انسان به زندگی صلح آمیز عودت کرده اند .

اما هیچگونه آمار و ارقام روحیه مردم ، باورآنها وامیدشانرا به پیروزی قریب الوقوع امر صلح وامنیت منعکس ساخته نمیتواند . مردم اعمار میکنند ، زمین های بایر را قابل زرع می سازند ، کاریز ها و جوی ها را احیا مینمایند. در کابل ٦ هزار قطعه زمین برای منازل رهایشی تخصیص‌داده‌شده است.این مقدار نیزکم‌است .درهرات ۹۰..خانه‌امروز تحت اعمار قرار دارد. این نمونه های در خشان صلح اند .

رو یهمرفته اولین مرحله مصالحه ملی را سپری نمودیم . در طی این مرحله حزب اندیشه مصالحه ملی را مطرح کرد وبمثابه سازمانده رزمنده و مجری آن فعالیت مینماید . سیاست مصالحه ملی‌داردبه واقعیت مبدل میگردد، سیمای مشخص را بخود میگیرد بمثابه عملکرد سیاسی اکثریت مردم افغانستان تبارز مینماید.

بعضا ما میشنویم که اوضاع در کشور بغرنج گردیده است . بلی تحقق سیاست مصالحه ملی تضاد ها را تشدید بخشیده است، زمانیکه ما دست روی دست نشسته بودیم ، همه چیز آرام مینمود . اکنون، زمانیکه مافعالیت و تعرض را آغاز نمودیم ،آشیانه های دشمنانرا مثل لانه های‌زنبور به اضطراب در آوردیم این امر بیانگر نیرو مندی ماست. واکنون ما دستاورد هایی داریم‌که آنرا یکسال قبل نداشتیم ودر بسیاری جهات موفقیت هایی را بدست آورده ایم که طی سال ها نمیتوانستیم بدست آریم .

امروز برای ما بعد از کسب تجارب مثبت، بهتر معلوم میشود که تحقق سیاست جدید، در مقایسه با تصورات قبلی ما یك امر بغرنج بوده وما میتوانستیم در ظرف ۱۰ ماه گذشته با تلاشهای خود ، در تمام استقامتهای مصالحه ، دستاورد های بیشتری وبیشتری داشته باشیم .

باید اظهار داشت که سیاست مصالحه ملی هنوز خصلت‌برگشت نا پذیر را بخود نگرفته است درینجا همه چیز بما ارتباط میگیرد . دشمنان ، مداخله‌نظامی و سیاسی خویشرا تشدید بخشیده اند . واشنگتن ونو کران حلقه بگوش‌آن تجاوز را علیه مردم افغانستان توسعه میبخشند . کشور ماهدف سیاست ترور دولتی اداره ریگن قرار گرفته است . افراطیون تمام تلاشهای ممکن را بخرج میدهند تا مصالحه ملی را ناکام سازند .

پدیده های منفی در داخل ح.د. خ.ا، و دستگاه دولتی نیز به عامل باز دارنده در راه پیاده نمودن‌سیاست جدیدتبدیل‌شده‌اند. مشکلات تعمیل سیاست جدید در میان عده معین کارمندان رهبری واعضای حزب باعث دستپاچگی و بد بینی گردیده است ، چنین حالت در وجود عده اشخاصی که بخاطر بیم از دست دادن چوکی خویش برای سازش با مخالفین حاضر نیستند وهمچنین آنهائیکه منتظر تسلیم شدن سریع مخالفین بودند ، بمشاهده‌میرسد. با وجود اینکه تعداد چنین اشخاص زیاد نیست و لی دشمنان ما ازاحساسات وخود خواهی آنها بمقصد تخریب و حدت ، تشویق مبارزه فرکسیونی ، گروپ بازی و بعضی اوقات حتی انتقام جوئی ماهرانه استفاده میکنند .

در این کنفرانس محتوی سیاست مصالحه ملی را درچوکات مرحله دوم آن باید تعیین‌نمود.

بنظر ما کدام مسایل باید درین برنامه گنجانیده شوند ؟

- به پایان رسانیدن تشکل اتحاد چپ دموکراتیک ، ترتیب و تنظیم میکانیزم همکاری با احزاب مختلف .
- ایجاد دولت و ارگانهای اداره ائتلافی .
- اکمال مقامات که ازطرف ما به جانب مقابل پیشنهاد گردیده است .
- مراعات دقیق آتش بس الی ۲۵ جدی ۱۳٦٦ .
- تصویب قانون اساسی کشور وحل مسئله نام دولت.
- انتخاب رئیس جمهور و شورای ملی .
- آماده گی برای تدویر دومین کنگره حزب و تجلیل ازدهمین سالگرد انقلاب ثور .
- اتخاذ تدابیر جهت‌توضیح محتویات اسناد کنفرانس سراسری حزبی بمقصد اثر گذاری بالای توده های وسیع مردم و اعضای حزب .
- بذل کمك و مساعدت به عودت هرچه زودتر مهاجرین بوطن .
- ارسال پیامها در مورد نتایج کنفرانس به احزاب برادر کشور های‌دوست ،تشدیدتبلیغات در خارج از کشور .

بخاطر تحقق این پروگرام استفاده اعظمی از تمام نیرو ها و وسایل حزب و دولت لازم است.

پروسه مصالحه ملی در تمام استقامتهای آن باید تسریع‌گردد. منظور ما از تسریع چه میباشد ؟

- مبارزه قطعی و بدون نسازش علیه دشمنان آشتی ناپذیر امر صلح ملی و دسترسی به توافق .
- تجدید فعالانه شیوه هاو میتود های کار و تطابق آن با شرایط جدید .
- حل سریع ، بلا وقفه و نهایی مسایل‌و عدم‌مراجعه دوباره به آنها .
- ارتقای مؤثریت تمام فعالیت های صلحجویانه و پخش متداوم و جسورانه اندیشه های مصالحه ملی در سراسرکشور .
- جلب و جذب تمام افرادمتزلزل بجانب خویش ، فعال ساختن اشخاص بیطرف، تربیه و دفاع اشخاصیکه از افراطیون جدا و به زنده‌گی صلح آمیزمیپیوندند .
- رشد اقتصاد وحل وظایف اجتماعی ، تزئید همه جانبه تولیدات مادی .

زمانیکه ما از تسریع‌صحبت میکنیم ، همه جا میگویند که ((کمیته مرکزی ما را به شتاب وا میدارد ما به چنین سرعت درکار عادت نداریم .)) اما ما در آینده‌نیز سرعت رااز دیاد خواهیم بخشید. زیرا که زمان زیادی تلف‌گردیده است . بنا برین تسریع پروسه مصالحه کلید مخصوص حل وفصل تمام پرابلمهای امروزی افغانستان میباشد . ارزش زمان برای مابی‌نهایت زیاد شده‌است .هرروز وهر ساعت برای ما، باید حاوی اندیشه های هر چه بیشتر و کار های هر چه مشخص تری باشد ، مابایید در حد اقل زمان، کار های عظیمی را انجام دهیم . و اگربطور دقیق بگویم ما باید به این امرنایل آئیم. مصالحه ملی به پروسه برگشت ناپذیر مبدل گردد. برد با آنهایی است که از زمان عقب‌نمی مانند .

رفقا! طی این کنفرانس ما وظایفی را تعیین میکنیم که عملی نمودن آنها در شرایط سیستم‌چند حزبی واداره ائتلافی ،در آینده‌باید صورت گیرد . برای همه ما این کار جدید است و مشوره دسته جمعی و اظهارات دقیق را مطالبه مینماید .

احزاب انقلابی نه فقط به دیگران می آموزانند بلکه خود شان نیز می آموزند . صرف نظر ازاین حقیقت ، رکود باعث ایجاد عواقب جبران ناپذیر میگردد.بناء ما باید طرز جدید کار و شیوه رسیدن هرچه عاجلتر به صلح در شرایط کار با متحدین خویش را بیاموزیم .

از سیستم سیاسی جامعه افغانی که پروسه مصالحه ملی تحولات قابل ملاحظه رادر آن وارد میکند ، آغاز میکنیم : از عملاولتر در باره سیستم چند حزبی‌صحبت میکنیم و میبینیم که چه معنی‌دارد؟

این به آن معنی است که‌تمام احزاب و سازمانهای موجودویا در حال ایجاد بصورت علنی و آزادانه میتوانند فعالیت کنند.اما بادر نظر داشت یك شرط‌که این احزاب و سازمانها بخاطر سعادت مردم ووطن، در راه صلح ملی مبارزه نمایند . قدر مردمی این امر را توسط قانون خاصی استحکام بخشیده است. پروسه تشریك‌مساعی‌واتحاد بااحزاب چپ دموکراتیك ،بعد از پلینوم ۱۸ کمیته مرکزی ، بطور فعال آغاز گردیده است .ورزیده ترین‌انشعابی سازمانهای((جاذا)) ، ((سبکبار)) ، ((سپزا)) که با در خواست جمعی به پلینوم ۱۹ مراجعه کرده‌اند به حزب دموکراتیک خلق افغانستان پذیرفته شدند . تعداد اعضای حزب دموکراتیك خلق افغانستان بحساب سازمانهای فوق الذکر بیشتر از هزار نفر از دیاد یافت ، ۱٤۷ نفر از جمله اعضای سازمانهای‌فوق الذکر مقامات رهبری کننده را بدست آوردند .

پروتوکولهای همکاری با احزاب (سزا) ، (سازا)، به امضاء رسیده است . بدین ترتیب ما تجارب زیادی را در مورد اجرای کار مشترك کسب کردیم .

روحانیون وطن دوست برای ایجاد حزب اسلامی در افغانستان از خود آمادگی نشان داده اند . ما از ایجاد چنین حزب استقبال میکنیم در رابطه به این امر ما مایل هستیم تا بالای مقرره وزارت شئون اسلامی و اوقاف تجدید نظر و برای شورای علما وروحانیون بعد از مفاهمه با کمیته های اسلامی واپوزسیون صلاحیت انتخاب کارمندان چنین وزارت خانه ها داده شود . ما آرزو مند هستیم که علمای محترم و روحانیون شریف بمثابه میانجی درامر مصالحه با نیرو های مخالف در همه جاکار خواهند نمود .

ضرورت اشتراك مستقل و فعالانه تر دهقانان و کارگران در زندگی سیاسی بوجود آمده است. حزب دهقانی میتواند دهقانان زراعتی و آنهایی را که صاحب زمین شده اند و همچنین اعضای کوپراتیفها را متحدسازد.

در ساختمان سیاسی جامعه ، برای حزب دموکراتیك که بتواند منافع بورژوازی ملی وطنپرست را منعکس سازد نیز جای پیدا خواهد شد .

ما به ایجاد اتحاد چپ دموکراتیك میان احزاب ، همه جانبه مساعدت خواهیم نمود . حزب دموکراتیك خلق افغانستان با شرکت دران ، سیمای خویش رااز دست نمی دهد و بحیث نیروی شناخته شده سراسری می ماند.

رهبران افغانستان‌درراه جستجوی سازش با نیرو های سیاسی بشمول جناح راست فعالانه تلاش میورزند . تماس بابرخی از نمایندگان (اتحاد هفتگانه) نیز بسط و توسعه می یابد . لازمست که این استقامت سیستم چند حزبی نیز موردبررسی قرار گیرد .

سیستم چند حزبی که بر بنیاد اصول مصالحه ملی استوار است میتواند انزوای سیاسی حزب ما را که به تنهایی مصروف مبارزه با نیرو های‌امپر یالیستی و ضد انقلاب‌استعمار وع سازد . واضح است که اتحاد با بلوك نیرو های سیاسی جدید میتواند در چوکات جبهه ملی‌تحقق پذیرد. اما آیا این سازمان اجتماعی ـ سیاسی توانسته‌است بمثابه نیروی مو ثر تبارز نموده، نقش مهمی رادر پروسه مصالحه ملی ایفا کرده و بالای جامعه افغانی تاثیر لازم داشته باشد ؟ متاسفانه تاکنون‌نه . فعالیت‌جبهه‌ملی‌تااندازه زیادی هنوز خصلت فورمالیستی داشته و صرف شهر های بزرگ (ص ۴)

حقیقت انقلاب ثور — ۲۷ر۷ر۱۳۶۶ هـ . ش

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیه رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص ۲)

درسا حه تاثیر آن قرار دارند. درزون قر یه ها صرف(۲۰)فیصد شورا های جبهه ملی فعال اند . این ساز مان بمثابه جزء لاینفك ح.د.خ.ا، از استقلا ل سیا سی محرو م پنداشته میشود که این امر یکی ازدلا یل عمده کارضعیف آن میباشد . بعد از تدو یردومین کنگره جبهه ملی نیز در کار آ ن بهبودی بمشا هده نەرسیده است. زمان‌آن‌فرارسیده است تابر خورد های جد ید در فعا لیت جبهه ملی جستجو گردد . جبهه ملی بایدتمام نیرو های صلحدو ست و متر قی کشور بشمول مخا لفین را بر اساس نهضت وا حد ضد جنگ احتوا نماید . از نمایندگان تقاضا مینمایم تا درینمورد نظر یا ت‌خویش را ابراز نمایند .

ائتلاف از سیستم چند حزبی منشاء میگیرد . این مسئله چه معنی دارد ؟

بدان معنی است که قدر ت نه بدست یك حزب، بلکه بدست چند حز بی که مطابق سیاست مشترك توافق ملی و ساختمان افغانستان دارای حاکمیت ملی ، تمامیت ار ضی و غیر منسلك باهم متحد گردیده اند ، قرار خوا هد داشت .

ائتلاف تمام نیرو های را که صرف استقرار صلح وامنیت را تامین نمایند میتواند متحد و بسیج سازد .

زنده‌گی نشان داد ، خلاقیت سیاسی مردم ، که نمیخواهند جنگ را ادا مه بد هند، در عمل اشکال مختلف اداره ائتلافی را بوجود میاورد . واین ائتلاف از پائین به بالا توسعه خوا هدیافت. اشکا ل این ائتلاف کدام ها اند ؟

- انتخا ب نماینده گا ن جانب مقابل در شورا های محلی ، تا اکنو ن ۱۱۴۹ نفر در ین‌ارگانها انتخاب گردیده اند .
- انتخا ب بیش از ۶۰۰۰ نفر مخالفین قبلی و همچنا ن عود ت کننده‌گان بحیث اعضای کمیسیون های مصالحه ملی .
- کا ندید نمود ن نماینده‌گان گرو پهای مسلح در تر کیب شورا ها ی‌قریه ها ،ولسوالیهاو علاقه داریها .
- انتخاب سران قبلی‌گروپ های مسلح مخالف بحیث مسوولین ولسوالی ها،علاقه داریهاوولایات. اکنو ن در حدود ۳۶۱ تن از این افراد بحیث روسا ومنشیا ن‌کمیته های اجرا ئیوی درسطوح مختلف کار مینمایند .
- دعوت از وزراء رژیم های قبلی برای کار در پست های رهبری کننده دو لتی .
- تدویر جرگه صلح که در آن بر اساس سازش ها، تصامیم در مورد صلح وامنیت اتخا ذ میشوند .
- پیوستن قریه ها وو لسوالیها به حاکمیت دو لتی با حفظ تشکیلات اداری قبلی خویش ، در صورت رعایت یك اصل، یعنی خود داری از اقدام علیه حاکمیت دو لتی . مردم از آنطر ف هر چه بیشتر به شهر های ما عود ت مینمایند در نخستین جر گه کوچیان ۲۰۰ نفر مخالف ودرنخستین جرگه ملیت هزاره اضا فه تر از ۴۰۰ نفر مخالف که نصف تمام شرکت کننده گان را تشکیل میدادند، اشترا ك ور زیدند.چنین وضع یکسال قبل و جودنداشت.

این پروسه آغاز گردیده نیرو میگیرد و آینده تابنا ك دارد. این آینده عبار ت از مصالحه سراسری است. پرا تیك انتخاب‌والیان غیر حزبی در هرات ، هلمند ، قندهار وبغلان نتایج خوب را به ارمغا ن آورد . این مشی را باید در تمام سطوح دو لتی قاطعا نه تعقیب نمود .

وجیبه ماست،منظور م کمیته مرکزی ، شورای انقلا بی وشورای وزیران است که هر چه زود تر تجربه اندوخته شده را تو حید نموده و کار ار گا نهای ائتلا فی قدر ت را منظم سازیم . نباید صرف منتظر آمد ن جانب مقا بل بطرف خود بود . نباید چنین فکر کرد که مصا لحه و ائتلاف صرفاً زمانی آغاز می گردند که سرا ن ((اتحاد هفتگانه)) وظا هر شاه به کابل عودت نمایند . مالست بزرگ پست ها را برای آنها پیشنهاد نمودیم . اکنو ن ما به قوماندانان درجه دوم مخا لفین نیز تماس حاصل نموده وتماس حاصل خوا هیم کرد . به دعوت ما هزا را ن نفر از مشران،روحانیون و رو شنفکر ان پاسخ مثبت گفتند . مصالحه و ائتلاف را باید در سر زمین افغانستان تحقق بخشید . ما به ایجاد ائتلاف برپایدار ترین بنیاد ، یعنی پشتیبا نی کامل مردم ازآن آغاز نمودیم. این امر تضمین تعیین کننده‌ای حیاتی بود ن سیستم جد ید سیا سی ما میباشد .

رفقاء ! مسلماً که حز ب ما نقش اساسی را در ایجاد ائتلاف ایفاء مینماید، اما راه دستیابی به این مرز حد اقل ازدو مر حله باید بگذرد . مر حله‌کنو نی یعنی‌مبارزه بخاطر پیاده نمود ن سیاست مصالحه ملی ومرحله دوم ، یعنی تامین بر گشت نا پذیری آن .برای ما لازم است تا ما هیت وو ظایف هر مر حله را معین سازیم . این یك مسله مهم است .درمرحله کنونی پشتیبا نی همگا نی مردم از سیاست مصالحه ملی که ح.د. خ.ا، آنرا طرح و تحقق میبخشد ، نقش رهبر ی کننده و سمت دهنده حز ب را تثبیت‌نمود. در مرحله بعدی یعنی تحقق‌مستقیم اداره ائتلافی ح.د. خ.ا ، در تمام سطوح حاکمیت دو لتی نباید نقش رهبری کننده خود را از دست بدهد و برای این امر لازم است تا همین اکنو ن آماد گی بگیریم.

مردم باید با گوشت وپوست رهبری ح.د.خ.ا، را درك نمایندنه با شعار. بخصوص تاکید مینمایم‌که اهداف و شعار های انقلاب ملی‌دمو کرا تیك ثور حفظ خوا هند گردید . اما در ین دو مرحله حزب باید از چیز یکه به قطع جنگ و دستیا بی به صلح ملی مسا عد ت میکند ، پشتیبا نی نماید .

در شرا یط سیستم چند حزبی وائتلاف، حزب ما باید دو باره اتوریته واعتبارعالی‌کمایی‌نماید اکنو ن باید امور خویش‌را با توده ها، نه بر اساس قومانده، بلکه بر اساس‌متقاعد ساختن داوطلبانه آنها عیار سازیم.حزب باید بمردم کمك نماید تا آنها در تمام عرصه های فعالیت ، دسپلین و وفا داری به ارما نهای انقلاب و انتخاب درست سیاسی را انجام دهند .

مسلماً که سیستم جد ید سیاسی باید بصور ت استوار و مطمئن متکی بر قانو ن باشد ازین جهت خصو صیت مهم سیستم جدید سیاسی عبارت از خصلت قانو نی و تکمیل گذار از نورمها و مقررا ت مو قتی که در(اصول اساسی ج.د.ا،) ،درج گردیده‌اند، به‌نور مها ومقررات دایمی یعنی‌قانون اساسی جدید میباشد .

درین روز ها نظر خوا هی همگانی پیرامو ن طر ح قانون اساسی به پایا ن میرسد. این کار زار خصلت واقعاً همگا نی‌را بخود کسب کرده است . در نظر خواهی در حدود دوملیو ن هموطن ما شر کت نمود ند . در حدودپانزده هزار پیشنهادو نکات نظر انتقادی عنوا نی کمیسیون تسوید قانو ن اساسی موا صلت نموده است .

قانو ن اساسی جد ید بر بنیاد استوار تیوریك و پرا تیك بنا یافته است . به نظر بیروی سیاسی درین امر ، تاثیر مثبت‌بالای انکشاف بعد ی جا معه ما و تضمین ثبا ت آن نهفته است .این امر بکلی قانونمند است که ما در کنفرانس خود دو مسئله مهم سیا سی را بر رسی مینما ئیم: طرح جدید برنا مه عمل ح.د. خ.ا، وطرح قانون اساسی جدیدج.د.ا که پلاتفورم قانونی را برای‌سیاست مصالحه ملی بو جود میاورد. اپوزیسیو ن نیز بخو بی آگاه‌است که در کجا با صحبت ها و شعار ها سرو کار دارد ، ودر کجا با قانونی که از طرف تمام شخصیت های بانفوذ دو لت پشتیبا نی میگردد . اکنو ن ما با تمام نیرو میتوانیم بگو ئیم که (اگر میخواهید سیاست ما را بدانید، قانون اساسی ما را مطالعه نمائید). قا نون اساسی ما واقعا قانون اسا سی مردم ، صلح، سعا دت‌و تر قی میباشد .

بعد از ختم و تکمیل طرح در اوایل ماه قوس لو یه جر گه‌در رابطه با تصویب قانو ن اسا سی وانتخاب رئیس جمهور دایر میگردد . تحکیم ح.د.خ.ا ، باز سازی کار آن مطابق مطالبات نوین - پروسه بغرنج است . ازین لحاظ تصمیم در مورد اینکه حز ب پست ریاست جمهوری را برا ی خود حفظ نموده است ، معقو ل خواهد بود . در شرایط مصالحه ملی و حکومت ائتلا فی ر ئیس جمهور میتواند بالای حزب‌و دولت اتکا نماید که مطمیناً این امر باعث تقویه اعتبار قدر ت ائتلا فی و تثبیت موا ضع ح.د. خ.ا،در جامعه میگردد.

از رفقا میخواستم بپر سم که شما چه فکر میکنید ؟کف زدن ها نشان دادند که خوب فکر میکنید.

مسایل رشد مناسبا ت ملی همیشه در محراق تو جه حزب قرار داشته وخوا هند داشت . این مسایل در پر تو مبارزه‌بخاطر مصالحه ملی اهمیت خا صی را کسب مینمایند . همه ملیتها، اقوام وقبایل کشور عمیقاً در صلح ذینفع اند . بدو ن مسا عی آنها صلح درکشور وجود نخواهدداشت از اینرو ما بابه رسمیت شناختن واحترا م به سنهم تاریخی قبایل شریف پشتو ن در مبارزه بخاطر حفظ استقلال و طن، در موا ضع بر سمیت شناختن حق مساو ی تمام ملیتها ، اقوام و قبایل درامر صلح و اشترا ك در امور دو لتی قرار داریم ، احترام به منا فع اختصا صی آنها باید تضمین و بلا انحرا ف در عمل ر عایت‌گردد. مسئله ایجاد خود مختار ی دولتی منجمله از جانب هزاره ها ونورستانی هاودیگران‌و افزایش کمك حکومتی به‌مناطق دور دست طرح میگردد، تمام‌این‌مسایل درست‌اندو آنهارابایدبلافاصله برای‌تمام ملیت ها ، اقوا م و قبایل حل نمود. ولی توجه‌رفقارا به‌این‌امر جلب‌میکنم که‌دراینجا نباید عجله‌کردو مرتکب کو چکترین اشتباه گردید .

سیستم جدید سیاسی‌افغانستان به دستا ورد تاریخی انقلاب، حزب ومردم مبدل خواهد گردید. این سیستم سیا سی به اندازه زیا دی مطابق ساختار اجتما عی جا معه ما ، رشد تعر ضی بعدی آن وو ظایف مبرم استقرارو‌تحکیم صلح ملی در کشور میباشد .

مردم این امر را فرامو ش نخواهند کرد که در مر حله چرخشی تاریخ افغانستان ، حزب ما یگا نه حز بی بو د که راه سیا سی بیرون رفت از بن بست جنگ و خونریزی را پیدا نموده و سیستم واقعا مرد می اجتماعی - سیاسی صلح وایجاد گری را بو جود آورد .

نماینده‌گان محترم !

برای اینکه سیاست مصالحه ملی را تحقق بخشید و جنگ را خاتمه داد به حزب پرتوان ونیرومند ضرورت است .

برای اینکه اشکا ل ائتلا فی اداره و منجمله حکومت ائتلا فی را ایجاد کرد مو جودیت حزب با اعتبارلازم است .

برای اینکه اتحاد بین احزاب تا سیس کرد به حزب‌یکپارچه ضرورت است .

این و ظایف را که کنفرانس ماروی آنهابحث میکند فقط و فقط ح.د.خ.ا، نیرومند، بااتوریته‌و یك پارچه‌قادر است،حل‌نماید وبس.بنا بر‌ین‌خردجمعی مابایدمعطوف‌تحکیم نظم‌در خانه حزبی ماباشد.تکرار میکنم ،رفقا خرد ، شرف ، قلب‌و همه چیز مابابد معطوف‌تحکیم نظم‌باشد . این‌خانه رابابد پاك‌و روشن‌ساخت .مابایدنه‌تنها بتوانیم تعرض‌کنیم،بلکه بتوانیم‌در عین‌حال هنرعقب نشینی‌رانیزبیاموزیم.برای آنکه‌نیروهارا از نوبسیج سا خته‌و باز هم به پیش برویم و قله های پیشبینی شده را حتما تسخیرکنیم در داخل حزب بایدهمیشه دسپلین آهنین، تابعیت جدی ازمرکز ووفا داری به ارمانهای انقلاب ثورمسلط باشد . حزب باید از تما م از مایشات اعم از سیاسی- نظا می و اقتصادی مستحکم تر وآبدیده تر بدر آید .

اعضا ی حز ب مکرراً مسئله ضرور ت وارد آورد ن تعدیلا ت در اساسنامه فعلی‌و نا فذ ح.د.خ ا را مطرح نمودند . این اساسنا مه اکنو ن از سیر زما ن عقب مانده وکا ملا پاسخگوی نیاز ها ی ساختمان حز بی در مر حله کنو نی نمیبا شد . در عین زمان این اساسنا مه مملو از نمونه های شتابزده گی است . برای ما لازم نیست تا در یك نقطه قرار داشته باشیم و لی بدو ن محاسبه نیروهای خویش نباید به پیش عجله نمود. از اینرو لازم است تازندگی درونی حزب با شرایط جدید که مو لود پرو سه مصالحه ملی اند، در مطا بقت قرار داده شود .اساسنامه باید به باز ساز ی تمام سا ختار های حز بی از سازما ن او لیه حزبی گرفته الی ارگا نهای عا لی رهبری مساعدت کند . بنا بر‌ین‌کمیته مر کزی‌طرح اسا سنامه جدید ح.د. خ.ا . را که نماینده‌گان آنرا در جر یان مبا حثات تا ئید نمود ه‌اند به کنفرانس سراسر ی ارا ئه میکند .

درمد ت زما ن بین دوکنفرانس نقش رهبر ی کننده، سازماندهنده و کنترو ل کننده کمیته مرکزی و دارالانشاء آن در عملی ساختن سیاست حزب بصورت پیگیر رشد نموده است .

طی پنج سال مجمو عاً ۱۳ پلینوم کمیته مرکز ی دایر گردیده است . بعد از پلینو م ۱۸ کا رایی دستجمعی بود ن و دموکرا سی بیشتر در آنها بو جود آمده‌است. بخا طر می آوریم که پلینوم های ۱۹ ، ۲۰ پلینوم فوق العاده وپلینوم ماه جوزا چگونه تدار ك دیده میشدند . اکثریت اعضای کمیته مرکزی در استا نه این پلینوم ها نظر یات و پیشنهادات خود را ارسال نمودند که بعداً در اسناد حزبی مورد استفاده قرار گرفتند. بخاطر مشوره و سیعتر با اعضای کمیته مرکزی در پلینوم فوق العاده کار رادر سکشن ها سازمان دادیم که در آنها۱۱۵ شرکت کننده‌پلینوم ابراز نظر کردند .

توسعه تر کیب کمیته مرکزی در پلینوم های ۱۹و۲۰ به رویداد بزرگ زند گی درو نی‌حزب ومهمترین اقدام تحکیم آن تبدیل گردید . رفقا، آگا هی دارند که کمیته مرکزی قبل ازین پلینو مها مرکب از کار مندا ن مقیم کابل ، دو کار گر و دو منشی کمیته های حز بی و لا یتی بود . لازم است صریحا گفته شود که بیرو ی سیاسی با دو چند ساختن‌ترکیب کمی کمیته مرکز ی کنترو ل‌جدی از انتخا ب کاندیدان جد یدراتامین نکرد .در نتیجه اشتبا ها ت رخداد ونا گزیر برخی از اعضای حزب‌از تر کیب کمیته مرکز ی اخرا ج شدند . ضمن انتقاد ازخود میگوئیم که بیروی سیاسی و دار الا نشاء در کار خود، به هر عضو کمیته مرکزی رسیده گی نکردند واحساسات آنها را درك ننمودند .

اعضای کمیته مرکزی‌ذخیره‌طلایی حزب اند. عضویت در کمیته‌مرکزی حزب نشا ن اعتماد و احترا م‌عالی آن میباشد . اعضای کمیته مرکزی در قبال سر نو شت حزب ووطن مسوو لیت تاریخی دارند . تاریخ ومردم در مورد ما بطور جدی و عادلانه قضاو ت میکنند .

در زنده‌گی حز بی یك شاخص و جود دارد که بیانگر روشن ومقنم قابلیت زیست حز ب و اعتبار آ ن در بین مردم میباشد. این شا خص عبار ت از رشد صفوف حز بی است .

سابقه دارا ن بخا طر دارند، زما نیکه در حزب فقط چند نفر محدود و جود داشتند در سا ل ۱۳۴۶ تعداد اعضای حزب ۵۱۵ نفر بود ،درسال ۱۳۵۶ـ۱۵ هزاردر سال ۱۳۶۱ تقریبا ـ۹۰ هزار بود واکنو ن ۱۸۵ هزار نفر در صفو ف حزب تنظیم اند . قابل تذکر است که بزرگترین رقم پذیر ش به‌حزب درسال ۱۳۶۵ میباشد ، بعد از اعلام سیاست مصالحه ملی بودکه تقریبا ۴۰ هزار نفر عضو اصلی وآزمایشی به ح.د. خ.ا ، پذیرفته شدند . درمد ت زما ن بین کنفرانس ها ساز مانهای حزبی شهر کابل ، و لا یا ت باد غیس، جوزجان تخار ، هلمند، فار یاب، کابل، هرات ،ننگرهار ،بدخشان، بغلان بلخ و کندز صفوف خود را ۳ـ۴ بار و باد غیس ۷ بار از یادبخشیده است .

تر کیب ملی حزب ما ، تحکیم متداو م اسا سا ت انتر نا سیو نا لیستی آنرا منعکس میسازد طی مدت پنج سال کمیت پشتونها، تاجك ها ، هزاره ها ، ازبك ها و تر کمن ها افزایش یافته است.

درینجا بجا ست نا مهای آنعده اعضای حزب را که جوانان را جهت کسب عضویت حزب‌یاری رسانیده و برای آنها معر فی نامه حزبی مید هند ، تذکر داد . تعداد آنا نیکه در شهر ها ،قریه‌هاوجزوتام های قوای‌مسلح ده‌هانفررابرای پذیرش به حزب آماده ساخته اند، زیاد است . از جمله آنها از رفیق ولی از تصدی کاماز نمبر ٤ رفیق جمال از کمیته و لسوا لی غنی‌خیل ولایت ننگرهار، ر فیق سیدتیمور از و لسوا لی سر پل جوز جان رفیق فوزیه از شورای زنان‌ولایت پکتیا ، رفیق با قی از و لسوالی قره باغ و لایت کابل و دیگرا ن میتوان نام برد .

لازم است که در هر سازمان از این اعضای حزب پشتیبا نی بعمل آمده و آنها بخا طر کارحزبی خیلی مهم و خیلی ضرور ی شان تقدیر گردند :

رشد صفوف حزب بایدتحت موا ظبت هر روزه هر کمیته‌حزبی قرار داشته باشد و لی در همه جا چنین نیست . کمیته های حز بی ولایا ت کنر ، لغمان ، سمنگا ن، غور، کند هار ، پکتیا، بامیا ن و لوی و لسوا لی خو ست با گذشت هر سال به تکمیل سازمان های خود خیلی ضعیف تو جه مینمایند .

پایه رشد صفو ف حزب در همه جا و جود دارد . اماده ترین بخش ذخیره حز بی در گروه های علاقمندا ن متحد شده است .علت عدم تو جه بعضی از کمیته ها ی حز بی را به گرو پهای علاقمندا ن میتوا ن فقط نا شی از عدم در ك نقش و اهمیت این گروه ها دانست .

لازم است که‌کار مکاتب اعضای جوان حزب در سطح قابل ملاحظه رشد داده شود . نقش این مکاتب خاصتاً اکنون بنابر الغای پیشبینی شده دوره ازمایشی خیلی افزا یش می یابد .

اعتبار حزب اعتبار هر عضو حزب است . اینکه عضو حز ب چگونه کار میکند چگونه زند گی میکند و نسبت به ر فقای همکار و ما دو نان خود چگو نه بر خو رد میکنند این همه اجزای اعتبار عضو حزب‌است . اکثریت اعضای حزب در فش حزب را بلند نگهمیدارند . و لی کسا نی هم وجود دارند که با نقض دسپلین حزبی ، بیکاره‌گی، تکبر و ثروت اندو زی ، اعتیاد به مشرو بات الکو لی و مواد مخدر ، این درفش را لکه دار سا ختند .

شعبات تشکیلا ت وکمسیون های کنترو ل حز بی کمیته ها ی حز بی و لایتی باید طی ۲ـ۳ ماه نزدیك یکجا با سازمان های اولیه حز بی مو ضوع عضو یت آنا نی را که مصرو ف فرکسیو ن باز ی اند ومد ت هاست که درجلسات حزبی شرکت نمیکنند و حق العضویت نمی پر دازند درح.د.خ.ا حل و فصل نمایند. چنین اشخا ص در حزب زیاد اند و لازم است که ازانها حزب را فار غ سازیم. کمیته های حز بی وظیفه دارند تا شرف حزب را بصورت حتم حفظ کنند ، نه شر ف و مقام خود را .

چند کلمه در باره کار ت عضو یت حزب : در حزب صرف (۴۷۰) نفر صلاحیت‌امضاء وتوزیع کار تهای عضویت حزب رادارند. این یك امر مقدس است .افرادپاك و صاد ق میتواند کار ت عضویت حزب را تفویض نمایند . لازم است که این کار نه فقط در دفاتر ، بلکه بطور باشکوه،همگانی ،در جلسات حز بی ، در اشر های حزبی ودر محلات مقدس انقلا بی انجام داده شود . لازم است تا به وقایع افتضاح آمیز ، که عضوحزب نمیتواند طی سالها اسناد حزبی را بدست آورد ، پا یا ن داده‌شود.

مو قف حزب دمو کرا تیك خلق افغانستا ن در شرایط جدید ائتلاف و سیستم چند حز بی امر ساده ای نیست . سایر احزا ب سیاسی نیز افغا نها را به صفوف خویش فرامی خوانند. درین رابطه این مسئله مطرح میگر دد که کمیت ح. د. خ.ا ، چگونه باید باشد . در ینجا بر خورد میکانیکی و حسا بی نمی توا ند وجود دا شته با شد . حزب رشد خوا هد کرد ، صفوف خود را تجدید و تحکیم خوا هد بخشید ، در حال حاضر ح.د.خ.ا یکی از احزاب بزرگ در کشو ر های‌منطقه میباشد . ح.د.خ.ا در آینده نیز باید چنین باشد تا بو سیلهٔ نیروی اعضای حزب تحقق‌سیاست خود رادر عمل تامین نماید .

پذیرش همگا نی به حزب‌بمناسبت کنفرانس ما به رو یداد سیا سی دارای اهمیت بزر گ تبدیل گردید . امروز ما میتوانیم به نماینده گان گزار ش‌بد هیم‌که تا ۲۰ میز ان بیش از۶ هزار در خواستی به کمیته‌های‌حزبی‌مواصلت نموده و(۴۶۰۰) نفرطرفداران صا دق وپایدار مصا لحه ملی به صفوف ح.د.خ.ا پذ یر فته شده اند . این نه تنها حما یت ا ز سیا ست مصا لحهٔ ملی بلکه‌ضربه خورد کننده بر پیکر آنا نی است که میکو شند تخم خصو مت ، تردید و بی‌اعتمادی رادر صفو ف ما بیا فشانند . بگذار چند تن‌آلوده از مابر وندو صد هاانسان پاك به طرف ما بیایند .

دریك کلمه ،رشد صفوف‌حزب‌باید امر و جدا ن هر کمیتهٔ حز بی و هر ساز مان حزبی باشد . حز ب دارای ۲۰۰ هزار نفر عضو ، تحفهٔ بزر گی به دهمین سا لگرد‌انقلاب ثور خوا هد بود . این و ظیفه‌والی ماست .

هر تعمیر تهدا بی دارد . تهداب خانهٔ حز بی ما را ، سازما نها ی اولیهٔ حز بی تشکیل مید هند . نیرو ی حزب و قا بلیت رز می آن موا بسته به این امر است‌که ساز ما نهای او لیهٔ حز بی‌چگونه زنده گی میکنند و مصرو ف‌کدام امو راند ، منشیان و فعا لین آنها چگونه عمل میکنندو آیاآنان‌اشخاص با اعتبار اند یا خیر ؟

حزب پیو ند های خود رابا تود ه ها از طریق ساز ما ن های اولیه حز بی تو سعه و تحکیم می بخشد .

به خاطر می آور یم که او لین ۱۸ حوزهٔ حز بی ما در سال۱۳۴۱، بوجود آمدند در سال ۱۳۶۱ ، تعداد ساز ما نهای او لیه حزبی (۲۲۷۳) بود و در روز تدویر کنفرانس کنو نی این رقم به ۶۱۱۶ ساز ما ن میر سد .

ولی عمده تر ین مسئله اینست که شبکه سازما ن های او لیهٔ حز بی اکنو ن‌تمام کشو ر رااحتوا کرده است . تعداد ساز مانهای او لیهٔ حز بی در منا طق سر حدی در فا صله بین دو کنفرا نس از ۴۴۳ به ۱۳۳۱ ساز مان افزا یش یافته است .در زون قر یه ها پنج سال قبل سازمان های اولیهٔ حزبی قطعا وجود نداشتند واکنون تعداد آنها درین مناطق به ۱۱۶۰سازمان میر سند .

اما لازم است تابه تو سعهٔ شبکه ساز مانهای حز بی هد فمندی بیشتر داد .

آیا این امر که در عر صه‌های مانند صنا یع ، ترانسپو رت ، سا ختمان ، موا صلات تعداد سازمانهای او لیهٔ حز بی خیلی کم است ، مارا نگران نه‌میسازد ؟

رفیق زیا رمل نمی تواند توضیح‌بدهد که تا اکنون‌در(۵۷۲) تولی ار دو حتی گرو پهای حزبی وجود ندارد .

نما ینده گا ن میگو یند که ار زش ندارد تا به عقب کمیت اعضای حزب در وا حد های‌حزبی دوید ، آنها در ینمو رد حق‌بجانب اند .

بگذار درین واحد ها ۵ـ۱۰نفر باشند . ما معتقد یم که کمیت نه بلکه کیفیت عا مل پیرو زی است .

زنده‌گی سازمانهای‌اولیه حزبی و کمیته های حز بی ثمر بخش تر میشوند و محتوی اسا سی فعالیت گی جا معه یعنی سیا ست مصالحهٔ ملی را هر چه کا ملتر انعکاس مید هند . این مطلب در جلسات حزبی ماه حمل که از جا نب بیروی سیا سی عالی ارزیا بی شده‌بود، به صورت بارز متجلی گردید . آنزمان ، زمان فرا موش نا شدنی است . کمیتهٔ مر کز ی برای اولین بار در طول تمام تاریخ حزب با اعضای حزب مشوره کرد .جلسات رز منده ، شد یداً انتقادی‌و مشخص بودند مردم معتقدشده‌اند که در کشو ر نیرو ئی و جوددارد که قادر است پرو سهٔ مصا لحهٔ ملی را رهبری کند . این نیرو عبارت از ح.د.خ.ا است . درین جلسات خود آگاهی اعضای حز ب رشد کرد ، جلسات حزبی به مدر سهٔ بزرگ برای اعضا ی کمیته مر کز ی و کار مندان‌رهبری وتمام رهبری افغا نستان تبد یل شدند . اعضا ی‌حزب بانظر واحداز مشی حزب مبنی بر گسترش‌مصالحهٔ ملی پشتیبا نی نمود ه و فعا لیت عملی بیروی سیا سی کمیتهٔ مر کزی را تائید کردند . صادقانه میگویم‌که بعدازاین جلسه‌دو نیروی بیروی سیا سی تز ئید به عمل‌آمد و. ما به عمل قا طعا نه تر و جدی‌تر پردا ختیم .

بعد از پلینوم ماه جوزا مجدداً به این شیوه از مایش شده مراجعه نمودیم جلسات و کنفرانسها را تحت اجندا ی وا حد «درباره‌نتا ئیج پلینوم ماه جو زا ی کمیتهٔ مر کزی‌و انتخاب نماینده‌گان به کنفرانس سرتا سری حزبی» دایر کردیم .

باز هم در تمام ساز ما نهای او لیهٔ حز بی صحبت های مهم اعضای حزب در مورد جریان‌تحقق سیا ست مصا لحهٔ ملی انجا م گرفت . برای او لین بار طی مدت پنجو نیم سال کنفرا نس ها ی حزبی در تمام نواحی ، علاقه‌داری ها، ولسوالیها ، شهرهاوولا یات دایر گردیدند که در آنها از هر هفت عضو حزب یکی شر کت کردند .

این کنفرا نسها در فضا ی‌علنیت دمو کراسی ، علا قمندی ، وپیشروی عالی اعضای حزب دایر شده‌ند که وفا داری اعضا ی حز ب را به مشی مصا لحهٔ ملی وپشتیبانی آنها رااز فعالیت عملی کمیته‌مرکزی و بیروی سیا سی آن تا ئید کردند .

این دستاورد عظیم است . این عمده تر ین مو فقیت است وآنچه است که ما میتوا نیم به آن افتخار نمائیم .

ولی چنین وضع با طبیعت‌بعضی اشخاص مطا بقت نمیکنند و گویا بمزد شان نمیخورد . چنا نکه در ناحیه هفتم شهر کابل و درولایت جوز جان نیرو های سالم و اصو لی حین تدویر کنفرا نس ها با فر کسیو نیزم وگروپبازی اشکار برخوردند .

کمیته مر کزی از حزبیان از اعضای حزب حرفی بو شیده ندارد کمیته مرکزی نیز چنین محا سبه میکند که‌اعضای حزب نیز نبا یداز پو شیده از کمیته مر کز ی داشته باشند .

(ص۴)

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیه رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه صفحه سوم)

نتایج تدویر جلسات و کنفرانسهای حزبی و تحلیل آنها مارا مکلف میسازد تا نتیجه گیری های زیر را انجام دهیم:

۱- لازم است که هر تدبیر و بخصوص تدابیر توده ای سیاسی دقیقاً تدارک دیده شود. برخورد سطحی نسبت به آماده گی به کنفرانس از جانب کارمندان کمیته های حزبی، هم در کمیتهٔ حزبی ناحیهٔ اول و هم در کمیته حزبی ناحیه دوم و همچنان در ننگرهار و هرات به چشم خورد. لازم است بعضی کمیته های حزبی با اعضای صادق و مسئولیت حزب تقویه گردند.

۲- بعضی از اعضای خام حزب دستاورد های ما چون دموکراسی وعلنیت را بمثابهٔ آزادی برای عوامفریبی و روند خود بخودی درک نموده اند.

آنها اصل مرکزیت دموکراتیک را نقض میکنند وبراساس قوم پرستی، عادات طایفوی-قبیلوی و منافع گروهی وشخصی عمل نموده و اینطور قضاوت گردند: تو از طایفه و قبیله ما نیستی، از خویشاوندان، هواداران و وابستگان ما نیستی، بناءً ما ترا نمی شناسیم و نمی خواهیم ترا انتخاب کنیم. بعضی اعضای حزب حین رای گیری جهت انتخاب نماینده گان مندرج لست مرکز اینگونه برخورد کردند.

برای ما این افراد که آب راگل آلود میکردند و کوشیدند تا کار نورمال این دو کنفرانس را برهم زنند، معلوم اند. آنها اکنون در برابر محکمهٔ حزبی ما قرار گرفتند ودر مطابقت کامل با اساسنامه مجازات شدند. برای همگان باید واضح باشد که کمیته مرکزی به هیچ کسی اجازه نمیدهد تا دسپلین حزبی و اصول شریفانهٔ مرکزیت دموکراتیک را نقض کند. ما این مطلب را جداً اعلام مینمائیم وجداً عملی مینمائیم بگذار همگان هم دوستان و هم دشمنان ما این را بدانند. اما مسئلهٔ دیگری نیز نمایان گردید، منحرفین خواستند در عقب کارگران ودهقانان ما پنهان شوند منحرفین آنها را به بیانیه ها وطرح پیشنهادات غیر اصولی کشاندند. در دست این جانب ۱۹ نامه از نماینده گان کنفرانس ما که در جوزجان انتخاب شده اند وجود دارد. بطور مثال یکی از آنها قرائت میکنم (نامه خوانده شد)

اصلاً پیشنهاد انتخاب کارمل را رفیق بدل نموده بود آنها میخواهند عقب کارگران پنهان شوند. حزب ما اکنون ۲۳ سال عمر دارد وهیچ نیرویی نمیتواند آنرا آلوده سازد. لازم است توجه کرد که انتخاب نماینده گان به کنفرانس سراسری حزبی واضحاً میگوئیم در فضای سختگیرانه و جدیت صورت گرفت. به این امر فقط میتوان خرسند بود. بسیاری از رفقائی که در اینجا حضور دارند آنچه را که نماینده گان به ایشان گفته بودند و دساتیری را که به عهده گرفته بودند بیاد دارند. بنا به علل معلوم انتخاب منشیان سازمان های حزبی، کمیته های حزبی و همچنان فعالین سازمانهای اجتماعی در حزب ما تا هنوز انجام نمیگیرد. اینک برای اولین بار اعضای حزب امکان حاصل کردند تا این یا آن رهبر (مسئول) را ارزیابی نموده و در واقعیت امر وی را بمقام های فعلی شان انتخاب کنند. اگر از ساخت و سازهای گروپ بازی و ذهنگیری بگذریم، تمام مسئولین ما بوسیلهٔ مردم وصفوف حزبی پشتیبانی شدند فقط ۵ نفر انتخاب نشدند. این نیز دستاورد بزرگ ماست. این دو نمونهٔ کوچک در بین ۷۰۴ نفر نماینده است. آیا این پیروزی نیست؟ این پیروزی بزرگ است.

نهاد بزرگ کادری ما پروبلم های امروز و فردا، پروبلمهای بزرگ و کوچک نظامی وملکی را حل وفصل میکند. شعار «کادرها همهٔ امور را حل میکنند»، برای ما اهمیت به خصوص دارد. مجموعاً (۸۲) هزار نفر درعرصهٔ اداره مصروف است. بهر ۷ عضو حزب یک کارمند حزبی و به هر ۲۰۰ عضو س.د.ج.ا یک کارمند حرفوی میرسد.

طوریکه می بینید افرادی وجود دارد که رهبری کنند، افرادی وجود دارند که از آنها میتوان مطالبه کرد. همهٔ مشکلات در اینجاست که هنوز اصول با ثبات سیاست کادری بوجود نیامده است. از عقب تمام تربیون ها ناکامی های ما در انتخاب، جابجا کردن و تربیت کادرها فعالانه انتقاد شده و وعده ها داده میشد. و لی کار از سوگند پیشتر نمیرفت. نواقص برای همگان خوب معلوم اند و اینکه چه باید کرد تا در آینده این نواقص به وجود نیایند همهٔ ما باید یکجا بالای این مسئله بیاندیشیم.

شکی نیست که باز پرس و مطالبات نسبت به آماده گی مسلکی وآبدیده گی سیاسی کادر ها در شرایط ائتلاف افزایش خواهد یافت.

همچنان شکی نیست که کمیته مرکزی ح.د.خ.ا همه مساعی ممکنه را بکار خواهد برد تا کادرهای وفادار را در پست های حکومت ائتلافی حفظ نموده و برای آنها کار پر مسئولیت ترآینده را تامین نماید.

در مورد بعضی تدابیر جهت بهبود سیاست کادری:

در طی ۳-۴ ماه آینده با تمام کادر های رهبری شامل نومنکلاتور حزبی صحبت خواهد شد وهریک از آنها امتحان مسلکی وسیاسی را سپری خواهد کرد. این امر برای ما به خوبی امکان خواهد داد تا حلقه بالائی را تقویت بخشیم وبا افرادی که تصادفاً شامل سطح عالی کادر ها گردیده اند، وداع کنیم.

در آینده کاندیدان پست های رهبری در سطح ولایات و کشور به طور کلی بر اساس توصیهٔ سازمانهای حزبی تصویب خواهند شد. حین ارتقاء کادر ها علنیت تامین خواهد گردید و حین سبکدوشی آنها از وظیفه نیز علنیت تامین خواهد شد.

در کمیتهٔ مرکزی و در کمیته های حزبی ولایتی شعبات واحد برای کار با کادر ها ایجاد خواهند شد. در کمیته مرکزی مسئولیت کادر های شامل نومنکلاتور به عهده منشی عمومی گذاشته میشود و در ولایات به عهده منشی کمیتهٔ حزبی ولایتی. حزب از پراتیک ناقص تبدیل اشخاص رهبری کنندهٔ بیکاره از یک کار به کار دیگر خود داری خواهد کرد. بعد از سبکدوشی از وظیفه یک راه وجود دارد یعنی راه به استقامت حرفه و یا کار عادی. مشی مبنی بر برقرار کردن توازن در همه عرصه ها و در همه جاها یعنی در خانه، در کار، در مسافرت های خارج از کشور تعقیب خواهد شد.

سیستم آموزشی کادر ها را از ریشه بهبود خواهیم بخشید. انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی و فلیال های آن در مزار شریف، هرات جلال آباد وظایفی را که دربرابر شان قرار داده شده اند، تاکنون در سطح لازم انجام نمیدهند وبه مرکز واقعی آموزش کادر ها تبدیل نشده اند. چنین مطالبات در برابر رهبری انستیتوت کادرهای جوان نیز مطرح خواهد شد.

در هر کمیتهٔ حزبی و لایتی مکتب فعالین حزبی ایجاد خواهد شد علاوه بر آن در سیستم تنویر سیاسی کارمندان دستگاه حزبی مطابق پروگرام خاص آموزش خواهند دید. این کورسها را منشیان کمیته های حزبی ولایتی وکمیته های شهری حزب رهبری خواهند کرد.

شورای وزیران، کمیته مرکزی س.د.ج.ا، شورای مرکزی اتحادیه های صنفی و شورای سراسری زنان اقدامات و توصیه های لازم را به منظور بهبود بنیادی کار با کادر ها تهیه خواهند کرد. رهبری که در شرایط ائتلاف وسیستم چند حزبی کار میکند باید به خاطر داشته باشد که:

رهبری کردن به معنی تربیهٔ اشخاص با روحیهٔ سیاست مصالحه ملی است.

رهبری کردن بمعنی بسیج کردن زحمتکشان در جهت تطبیق پلان پنجساله و کشانیدن بسی هراس نظامیان به نبرد است. رهبری کردن به معنی اعتبار داشتن دربین مردم وبرخوردار بودن ازعشق واحترام آنهاست رهبری کردن به معنی مواظبت از انسان زحمتکش، خانواده و اطفال وی است. رهبری کردن کاملا پاک وعادل بودن است رهبری کردن به معنی فکر کردن در باره وطن و بعداً در بارهٔ خود است.

چنین است قانون رهبری ما! آیا هر کس پاسخگوی این مطالبات است؟ مادر آینده نزدیک در اثنای صحبت با کارمندان رهبری به این سوال پاسخ خواهیم داد.

چند نظر در باره سبک کار حزبی:

وظیفه تداوم استوار ترباز سازی فعالیت حزبی -سیاسی، در پیشروی ما قرار دارد.

عنعنات مضر گذشته مانند عدم تحرک، انتظار هدایات از بالا، اعلام شعارها، فقدان اصولیت و باز پرسی هنوز خود را تبارز میدهند. طور مثال بنا بر همین علت تحقق فیصله های پلینوم ماه جوزای کمیتهٔ مرکزی هنوز آهنگ لازم را در سطح ولایات، ولسوالیها و قریه ها کسب نکرده است. به نظر ما ضرور است که توجه به تعمیم برخورد کامپلکسی نسبت به حل وظایف متمرکز گردد. در شرایط جدید، زمانیکه شیوه های سیاسی اولویت کسب میکنند لازم است که وضع را همه جانبه تحلیل نموده، کار ها را دقیقا پلانگذاری کرد عواقب آنها را پیشبینی نموده وبه حصول نتائج مشخص نایل گردید.

برخورد کامپلکسی به معنی:

- تامین وحدت کار سیاسی، سازمانی، اقتصادی و نظامی در تمام سطوح است.

- هماهنگی جدی فعالیت تمام سازمانهای اجتماعی و اتحادیه های ایجادگر بوسیلهٔ حزب، متحد ساختن مساعی تمام مراکز تربیتی یعنی موسسات تعلیمی، سازمان پیشاهنگان، س.د.ج.ا، اردو ووسایل اطلاعات جمعی و موسسات فرهنگی وورزشی است.

همه امور باید مطابق اصل بهتر است کمتر اما کامپلکسی وبانتائج واقعی ونهائی باید پیشبرده شود. توانائی حل و طیفهٔ مصالحه بصورت کامپلکسی یکی از اهداف اساسی باز سازی است. نقش منشیان کمیته های حزبی که موظف اند بمثابهٔ انسجام دهنده گان در ولایت، شهر، ولسوالی، قریه و کارخانه عمل کنند، در تحقق برخورد کامپلکسی بی اندازه افزایش می یابد. خاطر نشان مینمائیم، در حال حاضر در مرحلهٔ کنونی شخص اول در ولایت عبارت از منشی کمیتهٔ ولایتی ح.د.خ.ا است.

رفقا! همه ما میدانیم که طرز شکل بیروکراتیک رهبری وکاغذ پرانی چقدر ضرر را بمیان میاورد. بعضی ها ما درین آموخته اند تا وظایف دولتی را به وظایف دفتری و وظایف دفتری را به وظایف دولتی تبدیل نمایند. آنها تکمیل کار سازمانی را صرف در افزایش کمیت کاغذ تسریع دوران این کاغذها مشاهده میکنند با تاسف باید اظهار نمود که مرض کاغذ پرانی اپارات دولتی را از بالا تا پائین احتوا نموده است. کاغذ زمانیکه لازم باشد یا نه به رشته تحریر در آورده میشوند کاغذ ها آنقدر زیاد شده اند که امروز نمیتوان دراین طوفان کاغذی به مسایل پی برد؛ ودرعین زمان اسناد واقعا ضرور وبااعتبار یعنی اسناد نورمی، تدوینهای میتودیک، اشکال واحد محاسبه و گزارشدهی و مواد لازم تبلیغاتی کفایت نمیکنند. به اساس نظارت ما از ۵۰ الی ۸۰ فیصد وقت کار مسئولین سطوح مختلف در مرکز و محلات در بررسی کاغذ ضایع میشود. عده ای زیادی از مسئولین که پست های رهبری را احراز نموده اند، کار مشخص سازمانی را در کلکتیف های زحمتکشان، قطعات و جزو تام ها پیش نبرده، با مردم ملاقات نمیکنند. در جلسات، گردهمائی ها و کاغذها تمام مدت و قت کار را به مصرف میرسانند.

میخواهم خاطر نشان سازم که در عقب این کاغذ پرانی ها اکثراً بی کاره گی، ناتوانی و در بعضی حالات حتی عدم علاقمندی در جهت حل مسایل مشخص پنهان میگردد. کاغذ به آن پوششی تبدیل گردیده که در عقب آن کارمندان بی وجدان و آنها نیکه می خواهند پروبلم ها را نه بصورت اساسی بلکه به طور فورمولیته حل نمایند پنهان میگردند. ما باید مبارزه نهایت شدید، قاطعانه و پیگیر را با بیروکراتیزم در داخل حزب و اپارات حزبی نیز پیش ببریم. در مبارزه بااین مصیبت باید، کمیسیون تفتیش مرکزی و کمیسیون کنترول حزبی بسیج گردند.

لازم است ضربه شدیدی بالای بیروکراتیزم، کار در داخل دفتر و کاغذ پرانی وارد نمود. بنا بر تقصیر کمیتهٔ مرکزی کادر های مابه مصرف بی جای کاغذ، به کار با کاغذ و نه با مردم عادت کرده اند. در ارتباطات با توده ها وپذیرش توده ها، ما بالای مصروفیت خویش اتکاء میکنیم. یک حقیقت تاریخی را تذکر میدهیم: درقرن ۱۱ چنین نظم وجود داشت: از بازار تا قصر خان ریسمانی با ناقوس ها، کشانیده شده بود. هر کسی که میخواست با خان ملاقات کند از ریسمان میگرفت و به طرف قصر میرفت. بهاین ترتیب در آن زمان، ممکن پذیرش مردم سهل تر از امروز بوده است. لازم است تا این امر را طوری سازمان داد که افراد بتوانند با کارمندان رهبری فورا ملاقات کنند و نه بعد از یک ماه، باید به پذیرش مردم ذریعهٔ اعضای بیروی سیاسی بسط و توسعه بخشید.

لازم است ساختار کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا و کمیته های ولایتی با در نظر داشت وظیفهٔ اساسی حزب بمثابهٔ سازمانده ومجری سیاست مصالحه تکامل یابد.

طوریکه لازم و نمایان است امروز کمیسیونها بمثابهٔ میکانیزم کاری تحقق سیاست مصالحهٔ ملی آرزو های مانرا همه جانبه بر آورده نساخته است. در مرکز و محلات تعداد کثیری سازمانهای مختلف اداری بوجود آمدند. آنها طوریکه معمول است یکدیگر را تکرار و دوبله میکنند، و یا هیچ کاری را انجام نمیدهند. حزب بمثابهٔ نیروی بزرگ سازماندهنده میتواند توده های جدید و جدید رابه دنبال خود بکشاند، مشروط بر اینکه اگر ما مبارزه بابیروکراتیزم را به طور اساسی پیش ببریم طرز، اشکال و شیوه های کار و فعالیت خویش را بهبود وجدید سازیم. طرزیکه امروز برای حزب لازم است عبارت از مشخص بودن کارائی، وحدت حرف و عمل، انتخاب شیوه ها و وسایل موثر کار، تامین ارتباطات زنده مستقیم رهبری با صفوف حزبی، رعایت دقیق نظریات مردم و اتکاء بالای مردم و هماهنگی فعالیت تمام نیرو های اجتماعی میباشد.

رفقا! ضرورت احساس می گردد تا در بارهٔ تدابیر به خاطر بهبود بعدی مناسبات متقابل حزب با سازمانهای اجتماعی مشوره صورت گیرد. س.د.ج.ا، اتحادیه های صنفی افغانستان و شورای سراسری زنان بمثابه سازمان های بزرگ توده ای مکلف اند تا کمک کننده گان و فادار ح.د.خ.ا ورزنده گان واقعی به خاطر امر مصالحهٔ ملی باشند.

کمیتهٔ مرکزی توجه خود را به این بخشهای سیستم سیاسی بیشتر ساخت و توجه ما حرکت بی مفهوم نیست. در قبال آن پشتیبانی و کمک بزرگ سیاسی، سازمانی و مادی قرار دارند.

انقلاب و جوانان از لحاظ شکل و محتوی مفاهیم به هم پیوسته وجدایی ناپذیر اند به همین ملحوظ ح.د.خ.ا در وجود جوانان افغانستان اشتراک کننده گان فعال و وارثین امر نوسازی انقلابی کشور را مشاهده میکنند. آنها نرا نه با نصایح، بلکه با کار واعتماد تربیه میکنند. به آنها جهات و بخش های عمده کاررا می سپارند. به طور مثال، اکمال قوای سرحدی، اعمار ساختمان های جدید، مبارزه با بیسوادی وغیره. اما اعتماد بزرگ متضمن باز خواست بزرگ نیز است. و ما نمیتوانیم این حقیقت را از نظر دور اندازیم که بخش بزرگ جوانان را عدم تحرک اجتماعی، عدم علاقمندی به خدمت در اردو وکار در ولایات دور دست فراگرفته است. شبکه س.د.ج.ا به طور ضعیف بسط و توسعه میابد. بخصوص در محلات زراعتی و قشلاق ها و در شهر ها عده ای از کلکتیف های بزرگ کمیت ناچیز اعضای سازمان جوانان وجود دارد که کار جوانان اقشار اجتماعی و گروپ ملی بزرگ را احتوا نمی نماید. کنترول از برخورد و اعمال جوانان از جانب اداره و حوزه های س.د.ج.ا در مکاتب، تخنیکم ها و موسسات عالی تحصیلی ضعیف است. در نتیجه این امر عده ای کثیری تحت تاثیر تبلیغات دشمن قرار میگیرند و از انقلاب دور میشوند. کمیته مرکزی س.د.ج.ا و تمام جوانان ما میتوانند سهم بزرگی را در مقایسه با گذشته در تحقق سیاست مصالحهٔ ایفاء کنند. در این اشتباهات تقصیر بزرگ از ماست. چقدر ابتکارات شایسته به خاطر موجودیت فورمالیزم در کار با جوانان زیر خاک شده اند! چقدر ابتکارات سازنده در صحبت ها و الفاظ پوچ غرق شده اند! تقصیر این امر به عهده آن رفقائی است که س.د.ج.ا را به راه تقلید کورکورانه از اپارات حزبی. دولتی باامراض منسوخ آن یعنی بیروکراتیزم، تلاش به خاطر گذارشدهی، محل پرستی واداره بازی، کشانیدند شرایط باامتیاز یعنی معافیت و رهائی ازخدمت دوره مکلفیت، امکان تحصیل در خارج که برای اطفال کارمندان رهبری مهیا شده بودند تاثیرنا گواری را بالای نسل جوان گذاشتند. سازمانهای جوانان بهاین امر نایل آمدند تا آماده گی جوانان در دفاع از وطن را به بنیاد تمام کار های شان مبدل سازند. کمیته مرکزی س.د.ج.ا تعهدات را به ساده گی پذیرفته و به همان ساده گی آنها را فراموش میکنند.

لازم است جوانان را در آتش انقلاب آبدیده ساخت، آنها را با شور و اشتیاق آفرینش و مبارزه بر انگیخت و از آنها نه گزارشات روی کاغذ را، بلکه کار های واقعی انقلابی را طلب کرد. ضرور است تا به حقوق سازمان دموکراتیک جوانان در حل مسایل جوانان حداکثر توسعه داده شود برای ما لازم است تا جوانان متکر رابه پست های رهبری ارتقاء دهیم و شبکه سازمانهای اولیهٔ سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان رادر شهر ها و قریه ها بدون انحراف بسط و توسعه بخشیم لازم است مسئولیت معرفی کننده گان اعضای سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان به حزب ارتقا یابد، ازاشکال نوین وموثر تبلیغ و ترویج استفاده به عمل آید چنین است وظایف اساسی ح.د.خ.ا در کار با جوانان در شرایط تسریع مصالحه ملی.

میخواهم خاطر نشان سازم که حزب مسئولیت کار با پیشاهنگان را بعهده سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان، گذاشته است. تعداد پیشاهنگان به ۱۶۰ هزار نفر میرسد. آنها آیندهٔ افغانستان صلح آمیز و شگوفان اند. آنها توجه رشد یابنده را از همه ما می طلبند.

طی سال اخیر تغییرات زیادی در جنبش زنان رخ داده است بعد از رفع موانع بیروکراتیک یعنی در طی یکسال صفوف شورای سراسری زنان دو مرتبه افزایش یافته است. رفقاء محترم وردک، بلقیس، شفیقه وسلطانه فعالیت مثمر و مفید راانجام میدهند ح.د.خ.ا در آینده نیز مصمم است تا کار بازنان را که ما آنها را به مثابه اشتراک کننده گان خاص ذینفع وفعال پروسه مصالحه ملی تلقی مینمائیم، بهبود بخشد. زنان تمام غم، اندوه و تخریب جنگ را شدیداً در وجود شان احساس مینمایند ما اعضای حزب، مدیون مادران، خواهران و تمام زنان قهرمان افغانستان هستیم. فراموش نخواهیم کرد که یگانه اتحادیهٔ مادران شهدای راه انقلاب درجهان، در کشور ما رسما وجود دارد.

کدام تدابیر را ما باید اتخاذ نمائیم؟ بنوبهٔ اول، باید زنان را برای اشتراک در زنده گی اجتماعی، اقتصادی و کلتوری کشور به طور وسیع و فعال جلب نمود. پیروزی های مادر این امر هنوز ناچیز است. تعداد زنان در اپارات حزبی ۳ر۶ فیصد در بین کارمندان اتحادیه های صنفی ۹ فیصد میباشد. در اقتصاد ملی موقف زنان نیز خوب نیست، در بین کارمندان موسسات مواصلاتی ۱۵ فیصد، در ترانسپورت ۴ فیصد را زنان تشکیل میدهند.

حتی در وزارت خانه ها وادارات تیکه بخش قابل ملاحظه کارمندان آنها رازنان تشکیل میدهند، به طور مثال در سیستم وزارت تعلیم و تربیه ۴۳ فیصد را زنان تشکیل میدهند. ولی در رهبری آنها حتی یک زن هم وجود ندارد.

در کمیته سوم سازمان ملل متحد نشانی از زنان ما معلوم نیست چرا محترم روشن روان بجای زنان نماینده گی میکند (۲۰) سال است که چنین بی عدالتی دوام دارد. باید دراین کمیته زن قهرمان کشور ما نماینده گی کشور مارا بعهده گیرد.

کلوپ های زنان که محصول تلاشهای خستگی ناپذیر، جستجوی اشکال عمده و قابل قبول نه تنها برای زنان، بلکه برای کار بامردم میباشند، قابل توجه جدی اند لازم است روز نامه ها را موظف ساخت تا درآنها در هرهفته حداقل صفحه یی برای زنان اختصاص داده شود و در تلویزیون پروگرام خاص ((کلوپ زنان)) سازمان داده شود. درحالیکه کلوپ زنان مطابقت باعنعنات کشور ندارد پیشنهاد است تا به نام انجمن زنان مسمی گردد.

بیروی سیاسی در آینده نزدیک مصمم است که پروگرام خاصی رادر باره انکشاف جنبش زنان در کشور تحت غور وبررسی قراردهند. آنچه به تدابیر مشخص حزب ارتباط میگیرد، درکمیته های مرکزی ح.د.خ.ا و س.د.ج.ا شعبات کار در میان زنان ایجاد میگردند. ایجاد آنها را رهبری قبلی س.د.ز.ا با تلاش حفظ انحصار خویش در رهبری جنبش زنان طی سال های متمادی به تعویق میانداخت. در شورای انقلابی و شورای وزیران کمیسیونهای جهت کار در میان زنان ایجاد خواهد گردید.

حالا در باره اتحاد های صنفی: چنین معمول شده است که ما آنها را به بهانه های گوناگون انتقاد میکنیم. اصل مطلب دراین است که کمیته مرکزی وشعبه تشکیلات تا حال به شورای مرکزی کمک نکرده اند تا پلاتفورم فعالیت عملی خویش راتدوین کنند ومقام خاص خودرادر تحولات مترقی دریابند. ما در بسیاری حالات با فورمالیزم در کار اتحادیه های صنفی سطحی برخورد میکردیم. رفیق پردلی باید با کارمندانی جداگانه که فعالیت شان در ضدیت با سیاست مصالحهٔ ملی قرار دارد، تصفیه حساب کند.

امروز در شرایط سیستم چند حزبی وائتلافی کمک های سیاسی سازمانی و میتودیک ما به سازمان های اجتماعی کشور مفهوم عمیق را کسب مینماید. حرف در باره افزایش تاثیر سیاسی ما بالای اقشار وسیع جامعهٔ افغانستان در باره استحکام اتوریتهٔ ما، در باره تثبیت نقش پیشرو مادر پروسهٔ رشد یابنده مصالحهٔ ملی میباشد. جلب گروپ های بزرگ مردم به ساحهٔ تاثیر سیاسی خویش، توضیح وتبلیغ خستگی ناپذیر ایده های صلح ملی، در میان آنها، استفاده از هر امکان موجود باید محور کارما با سازمانهای اجتماعی راتعیین نماید. بادر نظر داشت اهمیت نهایت مبرم آنها در شرایط جدید در کمیته مرکزی شعبه خاصی برای رهبری سازمانهای اجتماعی ایجاد میگردد.

رفقای نماینده!

حزب هنوز نتوانسته است که کار سیاسی - تربیتی را به محرک نیرومند تحقق مشی مصالحه ملی تبدیل کند. کم بها دادن به این بخش فعالیت حزبی ساده تلقی کردن و عدم کنترول از آن، تبدیل کار توضیحی به سخنان گم راه کننده، حرافی وپوچ حرفی، چنین است نواقص مادر این بخش کار، ضد تبلیغات، تبلیغات نظامی و طنبر بعضاً نه و تربیت انترناسیونالیستی بطور ضعیف پیش برده میشوند.

ژورنالیستان ما که در روزنامه ها، تلویزیون و رادیو کار میکنند، مکلفیت های خویش را بمثابه تاریخ نویسان انقلاب و مصالحه بطور کامل انجام نمیدهند. در رهبری عده ای از وسایل اطلاعات جمعی مثل سابق اشخاص غیر مبتکر، از لحاظ مسلکی ضعیف که کار خویش را دوست ندارند، باقی مانده اند.

مادر ارزیابی اهمیت روزنامه ها در جامعه کم سواد خویش به ضرر تبلیغ شفاهی سیاسی زیاد بها میدهیم. عامل عمده آن تبلیغ شفاهی مبلغ درمحل ملاقات، اطاقها ویاخانه های گفت و شنود خواهند بود.

بعد از کنفرانس باید این کار راسازمان داد، شبکه چنین اطاقها وخانه ها را ایجاد نمود. این امر پاسخگوی عنعنات مترقی است. زمانیکه درخانه انسان با سواد در روزهای پنجشنبه همسایگان جمع میشدند و تا نا وقت های شب شهنامه و مثنوی ولغت خوانی را استماع میکردند. ما آرزومند هستیم که اتحادیه های ایجادگر، که از جانب رفقاء پنجشیری، جمال و بارق شفیعی رهبری میشوند. سهم قابل ملاحظه ای را در تسریع مصالحه ملی ایفاء خواهند نمود.

شاعران، نویسنده گان، نقاشان ما چه تحفهٔ برای مردم مادر آستانه دهمین سالگرد انقلاب ثور خواهند داشت؟ کار های نوین و بزرگ ویا تعهدات نوینی از نمونه مثال ریژیسور لطیف پیروی کنید. فلم های وی: صبور سرباز، پرنده های مهاجر، از پیروزی های چشمگیر برخوردار اند.

اکادمی علوم از پوتنسیال فکری کشور بسیار ضعیف استفاده مینماید. درسهای تلخ گذشته مارا وادار میسازد تا کار انفرادی بامردم را افزایش بخشیم مادر جهت تدویر میتنگ های بزرگ و تدابیر وسیع توده ای تلاش می نمائیم بعضی از رهبران حتی آزرده میشوند که چرا در ملاقات با آنها مردم کم راجمع نموده اند. البته

(ص ۵)

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیه رفیق نجیب‌الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص ٤)

که میتنگ ها و مظاهرات هزارها نفری نیز ضرور اند و حزب آنها را به راه خواهد انداخت. ولی شکل اساسی تماس با مردم باید ملاقات ها با گروپهای کوچک مردم (حداقل ۲۵ـ۵۰ نفر) سازمان داده شود تا هر شنونده بتواند سوال خویش را طرح کند و افکار خویش را بیان نماید. در جامعهٔ ما طبق سنت بحث و مذاکره را دوست دارند. آیا ماهران صحبت های صمیمی که حرف های دوستانه آنها را تمام افغانستان تکرار کند، زیاد اند؟ اعضای حزب ما باید بتوانند از عمق قلب با تمام کتگوری های مردم صحبت کنند.

منشی های سازمانهای حزبی، مسوولین موسسات، قوماندانان و کارمندان سیاسی موظف اند تا زنده‌گی و روحیه هر انسان را بدانند، با همگان به طور مجرد کار نکنند. بلکه با هر انسان بصورت جداگانه و مشخص کار کنند. با عودت کننده‌گان و سربازان که به فرار میل دارند باید برخورد خاص صورت گیرد. بر بنیاد این اصل کار خواهیم نمود: ((بهتر است یک شخص را به چهره شناخت تا صد نفر را به نام» باید انسان را، دنیای معنوی عقیده او را رشد و استحکام بخشید. برای کسانیکه متزلزل باشند نمی دانند به عقب کی بروند و دعوت های کی را عملی سازند، زنده‌گی و کار کردن با آنها را باید آموخت زیرا کسیکه هدف را گم میکند، استعداد مبارزه را ندارد. مشی مصالحه باید مردم را متحد و بسیج سازد و نه اینکه از همدیگر جدا نماید و احساس آزرده‌گی و عدم اعتقاد به خود را بمیان آورد. نوسازی جامعهٔ ما عبارت از مبارزه بخاطر متحد ساختن تمام افغانها میباشد. بناء این مبارزه بخاطر انسان است نه علیه آن.

در این اواخر اعتیاد به مواد مخدره که شایسته طرز زنده‌گی افغانی نیستند، ازدیاد یافته است. قمارخانه ها بمیان آمده اند، استعمال هیروئین توسعه پیدا میکند. ما وارث کلتور دیرینه و غنی هستیم. اعضای حزب مکلف اند تا به پاکی اخلاقی و وضع صحی مردم توجه کنند و خود شان دراین امر نمونه و مثال باشند. به خانه جدید مصالحه ما باید بدون کثافت و گناه داخل شویم.

همه چیز در زنده‌گی انسان از مکتب آغاز میشود. در پنجا مانند آئینه زنده‌گی جامعه انعکاس می یابد. اگر ما خواهان بهبود جامعه و تربیهٔ سالم نسل جوان هستیم، پس لازم است کمک به مکتب و معلم تقویه یابد. عرصهٔ تعلیم و تربیه بیش از همه در اثر جنگ متضرر گردیده است. دشمنان قبل از همه مکاتب را منفجر میسازند و معلمان را به قتل میرسانند. برای ما لازم است تا اعمار مکاتب را به طور جدی آغاز نمائیم. بگذار این دعوت فضای کنفرانس ها و مکاتب جدید زمین ما را زینت بخشند. بیروی سیاسی و شورای وزیران موضوع تخصیص وجوه مالی برای صبحانهٔ هر روزه و یونیفورم مکتب بشمول بوت را برای شاگردان مکاتب بررسی نمود. این اقدام تزئید قابل ملاحظه به بودجهٔ فامیلها خواهد بود. روحیهٔ زنده‌گی نوینی به خانواده باید از مکتب وارد شود. معلم عنصر بااعتبار در توضیح و تحقق سیاست مصالحه است. آیا رفقا قیومی و غیائی این مسئله را درک میکنند؟ مطمئن نیستم.

در باره امحای بیسوادی: انسان با سواد اهداف و وظایف مصالحه ملی را بهتر درک میکند. باید برای وی درین امر کمک کرد. اکنون سیستم دقیق امحای بیسوادی در قوای مسلح و در بین اهالی ملکی بوجود آمده است. کمیته مرکزی از پیشنهادات اعضای حزب پشتیبانی نموده و سکتور امحای بیسوادی را در کمیته مرکزی ایجاد نموده است. باید کار کمیسیون خاص شورای وزیران به خاطر مبارزه با بیسوادی را از ریشه بهبود بخشید.

رفقا!

به موضوع اساسی، حیاتی، مسایل حال و سرنوشت ما، به موضوع وحدت میپردازم. در جریان مدت طولانی مبارزه فرکسیونی علنی و مخفی که یکپارچگی صفوف حزبی را تخریب نموده و دسپلین حزبی را نقض مینماید، وجود داشت. علل پیدایش و بقای فرکسیونیزم و گروپ بازی و برخورد سازشکارانه نسبت به آنها در چه امری نهفته است؟

کمیته مرکزی توجهٔ جدی را به این امر مبذول خواهد داشت تا مسایل وحدت حزب و مبارزه بخاطر مصالحه ملی در راس تمام فعالیت های سازمانهای اولیهٔ حزبی قرار گیرد.

سرشت واقعی این پدیده ها را لازم است در فشار خود انگیختگی خورده بورژوازی، جاه طلبی و سایر امراض، جستجو کرد. این عناصر با قرار گرفتن در تصادم با پرنسیپ‌های اساسی زنده‌گی حزبی یعنی سنترالیزم دموکراتیک نمیخواهند تا به دسپلین واحد شوند و به خود انگیختگی و خصومت کشانیده میشوند.

فرکسیونیزم و گروپ بازی در ح.د.خ.ا. در نتیجه درک ضعیف اعضای حزب قبل از همه کادرهای رهبری از تیوری علمی انقلابی نشئت نموده است. فقط روی این علت بسیاری اعضای حزب نمیتوانند مواضع مستحکم ایدیولوژیک و برخورد آشتی ناپذیر را نسبت به آنانیکه وحدت حزب را تخریب میکنند، اختیار نمایند.

علاوه بران فرکسیونیزم و گروپ بازی از نخستین روز های موجودیت حزب با مبارزهٔ حاد بخاطر قدرت بین گروپهای جداگانه و رهبران این گروپها که نتوانستند، عادات گروهی و محفلی خود را از بین ببرند، شعله ور گردید. در نزد بعضی از آنها دلایل بی اساس به خاطر درست بودن موضعگیری های شان بوجود آمد. جریان تکامل انقلاب در جامعه افغانستان اشتباهات آنها را به اثبات رسانید.

رزمندگی سازمانها همیشه وابسته به وحدت صفوف حزبی میباشد. برای ح.د.خ.ا. این پرابلم نظر به ضرورت تسریع پروسه مصالحه ملی، ایجاد اداره ائتلافی و سیستم چند حزبی مغلق و بغرنجتر میگردد. در عین زمان مقاومت دشمنان داخلی و خارجی که به نقض وحدت ح.د.خ.ا اتکاء مینمایند، زیادتر میگردد. چگونه میتوان از موانع متعدد عبور نموده و بالاخره پیروز گردید؟ فقط یک پاسخ میتواند وجود داشته باشد یعنی ح.د.خ.ا. نه در حرف، نه از عقب تریبون، بلکه در عمل و در زندگی باید یکپارچگی، وحدت فشرده و رزمندگی عالی صفوف خود را تامین نماید. باید مردانه وار باوضاحت و صراحت و با تمام نیرو اعلام کرد که اگر امروز فقط امروز ح.د.خ.ا. به این امر نایل نه اید، حزب نقش رهبری کننده خویش را در جامعه از دست داده و از سیستم سیاسی خارج ساخته خواهد شد. از ینرو زمان تصفیهٔ فرکسیونیزم و گروپ بازی که سالها بمثابه موریانه، ریشه وحدت حزب را می خورد و دسپلین حزبی را صدمه میزد، فرا رسیده است.

قبل از همه در مورد خطر مهلک فرکسیونیزم جناحی: انشعاب ماه ثور ۱۳۴٦ ح.د.خ.ا که به ایجاد جناح های «خلق» و «پرچم» انجامید ضربه سنگین بالای حزب جوانی بود که چندی قبل به عرصه سیاسی کشور پا گذاشته بود، این ضربه سیمای سیاسی حزب را تخریب نمود. صرف بعد از ده سال در ماه سرطان ۱۳۵٦ کنفرانس ح.د.خ.ا وحدت جناح ها آنهم در بخش ملکی را در وجود حزب واحد اعلام نمود. این یک پیروزی تاریخی بود. و حتی چنین وحدت هر دو جناح را از خطر امحای نوبتی از جانب نیرو های راست افراطی نجات داد. وحدت رشد سریع اتوریته ح.د.خ.ا. را دربین مردم تامین کرد. حزب قادر شد تا نیرو های مترقی و دموکراتیک را رهبری نموده و آنها را به پیروزی انقلاب ثور بکشانند.

بعداً طوریکه واضح است حزب باز هم در لبهٔ پرتگاه نیستی، در برابر خطر از دست دادن تمام دستآوردهای خود بنا بر اختلافات جناحی و اعمال جناحیتکارانه ضد حزبی قرار گرفت.

با صراحت میگوئیم که: هیچ یک از جناح ها که در ارگانهای حزبی ـ دولتی قدرت بیشتری حاصل نموده بودند نتوانستند درست ازین قدرت استفاده نمایند. هیچ یک از جناح ها نتوانست پرابلم دفاع و رشد انقلاب، ادارهٔ کشور، تقویهٔ نفوذ حزب در بین توده ها را که زندگی در برابر آنها قرار داده بود، بطور مستقل حل کند. از آن گذشته تقویهٔ یک جناح باعث تضعیف جناح دیگر و تضعیف اتوریته و اعتبار حزب در مجموع گردید. از ینجاست که نزد مردم سوال خلق میگردد، «شما چطور میتوانید نظم را در کشور برقرار نمائید، در صورتیکه نمیتوانید این کار را در حزب خود انجام بدهید؟»

حقیقت چنین است که تعلقیت به هریک از جناح ها، برای حزبی واقعی افتخار به بار نمی آورد. خلقی ها در مورد جناح خود و پرچمی ها در مورد جناح خود فکر مینمایند، پس در مورد ح.د.خ.ا. کی فکر خواهد کرد؟ این حرف ساده نیست، به این سوال باید هر یک پاسخ بدهد. در حزب برای «خلقی ها» و «پرچمی ها» که به اندازهٔ دشمنان آشکار ما به حزب زیان وارد نموده اند، دیگر جائی وجود ندارد (کف زدن های ممتد)

تشکر از درک عمیق و مسئولانه که از احساس قلبی شما نشئت میکند. این امر ما را وادار میسازد تا ندا و احساس قلبی توده های حزبی را درک نمائیم.

ح.د.خ.ا. حزب همفکران، همراهان و حزبی های یکپارچه است که منافع حزب را بالاتر از منافع جناحی شان قرار میدهند. و امروز ما باید قاطعانه اعلام نمائیم که: فرکسیونیزم جناحی که در تضاد با روحیهٔ و ماهیت برنامهٔ عمل و اساسنامهٔ ح.د.خ.ا. قرار دارد، باید از دامن حزب برای همیشه برچیده شود. مبارزه بخاطر حفظ و یا احیای مجدد هرنوع شکل فرکسیونیزم بمثابهٔ خیانت، ضربه با خنجر از عقب به حزب و دوستان ما محسوب خواهد گردید. به مقصرین این اعمال سخت‌ترین مجازات داده خواهد شد.

مخاصمات جناحی در ح.د.خ.ا به زمینه تغذی پدیده های مختلف فرکسیونیزم تبدیل شده است. گواه این امر ظهور انحراف جدید فرکسیونی بعد از پلینوم هژدهم کمیتهٔ مرکزی و پلینوم های بعدی آنهاست. این پلینوم ها مشی را در جهت ارتقای نقش حزب در زندگی جامعه به پیش گرفته و وظیفهٔ بازسازی کار های حزبی ـ سیاسی را با در نظر داشت مصالحهٔ ملی در مقابل حزب قرار داد. تصامیم پلینوم از جانب نیرو های سالم حزب که تلاش داشتند به جلو بروند، مورد پشتیبانی و تائید قرار گرفت. اما اشخاصی نیز ظاهر گردیدند که در برخورد با این پلینوم ها خطری را به منافع شخصی خویش مشاهده نمودند. طوریکه معمول است اینها کارمندانی اپارات حزبی ـ دولتی اند که از اقشار خورده بورژوازی نشأت نموده، علاقمند هیچگونه تغییرات نبوده و عبارت از مخالفین سرسخت اشکال و شیوه های جدید رهبری و کار میباشند، آنها متذکر میگردند که مصالحه بکندی پیشرفته و دستآوردهای انقلاب نادیده گرفته میشوند. این حیله گری پیش پاافتاده است که در عقب آن گذشته ها و بی اعتنائی ها پنهان ساخته میشوند. این اظهارات بی مفهوم و غیر مسوولانه اند. چنین تیپ افراد تلاش میکنند با تظاهر به علاقمندی بخاطر سرنوشت انقلاب، عدم علاقمندی شانرا نسبت به کار فعال و پشتیبانی از سیاست مصالحه‌ملی درعمل نشان دهند. آنها تلاشی میورزند، تا دورهٔ بعد از انقلاب را به مراحل مختلف تقسیم نمایند. آیا این امر درست است؟ فکر میکنم که نی. جدا کردن تاریخ ما به مراحل و عیار ساختن آنها به این و یا آن شخصیت دیگر بس است، زیرا این به اصطلاح مراحل زمینهٔ جناح بندی ها و فرکسیونبازیها را میسر میسازد، بلی مراحل میتوانند وجود داشته باشد، اما صرف مراحل انقلاب ملی و دموکراتیک، نه مراحل برای پرچمی و یا مراحل برای خلقی.

بامخاصمات جناحی و انحرافات فرکسیونی جدید، لکه های گذشته یعنی ناسیونالیزم، پروتکسیونیزم، قوم پرستی و گروپ بازی پیوند نزدیک دارند. برای هر عضو صادق حزب واضح است که ح.د.خ.ا در صورتیکه از خود نمونهٔ مثال تحقق تساوی واقعی حقوق و برادری نمایندگان ملیتها، اقوام و قبایل افغانستان را در عمل نشان ندهد، نخواهد توانست اعتماد مردم را بخود جلب نماید.

حزب واقعی انقلابی را از گروپهای ناسیونالیستی قبل از همه این امر متمایز میسازد که این حزب بر اساس اصول انترناسیونالیزم ایجاد گردیده، زندگی و فعالیت مینماید. از ینرو برای افرادی که حزب را به «از خود» و «بیگانه ها»، مطابق تعلقات ملی و قومی تقسیم نموده و گروپ های شانرا مطابق این اصول ایجاد مینمایند، جائی وجود ندارد. چنین طرز برخورد دوبار جنایت آمیز تر است. این عمل از یک طرف جنایت به وحدت حزبی و از طرف دیگر جنایت به اصول انترناسیونالیزم میباشد.

در اساس گروپ بازی ها عدم توانمندی سیاسی و بیکارگی این و یا آن رهبری حزبی که اکثرا بحساب خدمات خود در گذشته زندگی میکنند، قرار دارد. این اشخاص با ترس ازینکه جای گرم خود را از دست بدهند، طرفداران و یا خویشاوندان شانرا به مقامات حزبی ـ دولتی بالا میکشند و آنها وفاداری نسبت به شخص خود شانرا بمثابهٔ وفاداری به توده ها وانمود میکنند.

با وجود موجودیت تفاوتها میان هر فرکسیون و یا جناح همهٔ آنها را مخالفت آشکار و پنهان در برابر تحقق مشی اتخاذشده یعنی مصالحه‌ملی از جانب حزب با هم نزدیک ساخته و پیوند میدهد. این مسئله در چه اعمالی متبارز میگردد:

دشمنان وحدت حزبی نمیخواهند ضرورت حیاتی سیاست مصالحهٔ ملی را درک نمایند، از آن گذشته آنها تحقق آنرا سبوتاژ مینمایند.

دشمنان وحدت حزبی آماده هستند تا به اصطلاح درفش های انقلابی را در اهتزاز در آورده، کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا و رهبری آنرا به گذشتن از مشی ستراتیژیک حزب به نفع ضد انقلاب متهم سازند.

دشمنان وحدت حزبی سرسختانه در مقابل بازسازی کار های حزبی مقاومت مینمایند.

دشمنان وحدت حزبی روحیهٔ شکست و سرخوردگی، شایعات و آوازه را پخش نموده و به اتوریتهٔ و اعتبار رهبری ح.د.خ.ا. صدمه میزنند.

دشمنان وحدت حزبی مانع توسعهٔ پایه های اجتماعی انقلاب و ایجاد اشکال ائتلافی اداره و سیستم چندحزبی میشوند.

دشمنان وحدت حزبی مانع تحقق مشی حزب در جهت رفع اشتباهات و محاسبات نادرست ناشی از جهش های نادرست به جلو در انجام دگرگونیهای اجتماعی ـ اقتصادی میگردند.

دشمنان وحدت حزبی بطور عینی به امر کاهش اتوریته و اعتبار حزب در بین مردم و تقویهٔ مواضع مخالفین ایدیولوژیک ما مساعدت مینمایند.

همهٔ این مطالب بیانگر چه مسایلی اند؟ بیانگر این مطلب که دشمنان وحدت حزبی، دشمنان مصالحهٔ ملی نیز میباشند. اینها کسانی اند که تلاش دارند تا میکانیزم توقف تحقق سیاست مصالحهٔ ملی را بوجود آورند، به تقصیر آنها جنگ برادر کشی ادامه دارد که افغانستان را به پرتگاه نابودی نزدیک ساخته و زندگی صدها و هزارها انسان را برباد میدهد.

حزب علیه تمام پدیده های فرکسیونی باید مبارزهٔ آشتی ناپذیر را پیش برد.

نقش قاطع را درین مبارزه باید سازمانهای حزبی تمام سطوح از کمیته مرکزی تا گروپهای حزبی، ایفا نمایند. تعدیلات وارده در اساسنامه که به کنفرانس تقدیم گردیده است، مسوولیت سازمانها و کمیته های حزبی را بخاطر تحکیم وحدت حزب بطور قابل ملاحظهٔ بالا برده و حقوق آنها را در جهت از بین بردن اعمال فرکسیونی توسعه داده است:

کار تمام ارگانهای کنترول حزبی بطور واقعی باید مشخص و مثمر گردد. اعضای حزب پیشنهاد مینمایند تا کمیسیون کنترول حزبی کمیتهٔ مرکزی به کمیتهٔ کنترول حزبی در چوکات کمیتهٔ مرکزی تجدید شکل یابد. به ضرورت تقویهٔ این ارگان و ارتقای اتوریتهٔ آن احساس میگردد. این پیشنهاد قابل پشتیبانی و تائید است. شمشیر حزبی باید در دستان قوی و پاک قرار داشته باشد. یکی از وظایف اساسی کمیسیون کنترول حزبی را باید تشدید کنترول از کار اپارات و تصفیهٔ آن از وجود فرکسیونیست ها و جناح پرستان تشکیل دهد، این کار باید فورا بعد از کنفرانس انجام داده شود. مشخصهٔ اساسی وحدت نه وحدت مصنوعی نمایندگان جناح ها و گروپها، بلکه تامین وحدت واقعی فعالیت آنها در کار و عمل میباشد.

هیچکس حق ندارد از رعایت دسپلین و انتقاد حزبی و لو هر مقامی را که احراز نماید، سرباز زند. ضمنا انتقاد نباید اشکالی را بخود کسب نماید که حزب و دست آوردهای انقلاب را لکه دار سازد و پسیفیزم را در بین مردم ایجاد کند. ما خواهان انتقادات مشخص و پیشنهادات عملی بوده و خواهیم بود، ما باید بخاطر داشته باشیم که انتقاد قبل از همه عبارت از مسوولیت میباشد.

در کنفرانس پیشنهاد میگردد تا قطعنامهٔ در مورد تحکیم وحدت صفوف حزبی به تصویب برسد. این سند باید به سوگند واقعی هر عضو حزب مبدل گردد. ما دعوت مینمائیم تا هر نماینده، هر عضو ح.د.خ.ا، هر آنکسی که برای وی شرف حزب بالاتر از جناح، گروپ و منافع فردی است، در پای قطعنامه امضاء نماید.

ما به آنهائی که نظر به عدم پختگی اخلاقی و سیاسی از چنین سوگند خود داری مینمایند، طفره نخواهیم رفت. ما از آنها خواهش میکنیم تا خود را کنار کشیده، صفوف ما را از وجود شان پاک ساخته و برای حزب امکان بدهند تا افکار، اراده و عمل خود را با هم متحد سازد. در غیر آن سرنوشت تلخ و عمل شدید و نفرین تمام حزب و مردم انتظار فرکسیونبازان و عهدشکنان را خواهد داشت. راه دیگری بجز از وفاداری واقعی و خدمت به امر وحدت وجود ندارد و نخواهد داشت!

مسوولیت خاص بخاطر ارتقای قابلیت رزمندگی و تامین وحدت حزب بعهدهٔ بیروی سیاسی کمیته مرکزی گذاشته شده است.

رفقا!

بعد از کنفرانس سراسری حزبی سال ۱۳٦۰ و بخصوص بعد از پلینوم هژدهم کمیته مرکزی مسایل ساختار نظامی و تقویهٔ قوای مسلح کشور در محراق توجه دایمی کمیتهٔ مرکزی حزب، بیروی سیاسی، شورای انقلابی و شورای وزیران قرار داشت. بطور دیگری بوده هم نمیتوانست. زیرا طی این سالها ما مجبور بودیم حملات وحشیانهٔ ضد انقلاب و مداخلات مسلحانهٔ رشد یابندهٔ ارتجاع منطقه و امپریالیزم بین المللی قبل از همه امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا را در امور داخلی افغانستان دفع نمائیم.

بخاطر تقویهٔ قوای مسلح قهرمان ما چه اقدامات عملی شده است؟ کمیت مجموعی قوای مسلح طی این مدت به اندازهٔ ۱۲۷ هزار نفر، منجمله ٤۰ هزار نفر در اردو ۳۰ هزار نفر در خارندوی رشد نموده است. ارگانهای امنیت دولتی جدیداً تاسیس شده اند. اگر در سال ۱۳٦۰ در ترکیب قوای سرحدی ۸ هزار نفر شامل بودند، اکنون این رقم به ۳۰ هزار نفر میرسد. قبلا ما اصلا قوتهای منطقوی نداشتیم، اکنون در صفوف این قوتها ۳٦ هزار نفر تنظیم اند. عین مطلب را میتوان در مورد ملیشه های سرحدی که اکنون کمیت آنها به ۲۰ هزار نفر میرسد، تذکر داد. تعداد مدافعین انقلاب دو بار رشد نموده است. در مفرزه ها و گروپهای مدافعین ملکی و خودی که قبلا وجود نداشتند، در حدود ٤۲ هزار نفر تنظیم اند.

ح.د.خ.ا. و حکومت ج.د.ا. مسایل خدمت، زنده‌گی و اعاشه سربازان و خورد ضابطان، بهبود کارهای سیاسی ـ تربیتی با منسوبین قوای مسلح را همیشه در مرکز توجه قرار میدهند.

مطابق قانون جدید «مکلفیت عسکری» میعاد خدمت مکلفیت و احتیاط به اندازهٔ محسوسی کاهش یافته است. اندازهٔ معاشات سربازان و خورد ضابطان بطور اوسط از ۱۷ الی ۲۵ـ مرتبه افزایش یافته است.

نتیجهٔ اساسی فعالیت ح.د.خ.ا و حکومت ج.د.ا. در جهت تقویهٔ قوای مسلح ما، ارتقای قابلیت محاربوی و آمادگی رزمی آن میباشد.

با در نظر داشت تجارب اندوخته شده و بخاطر ارتقای مسوولیت و استقلالیت شوراهای دفاع ولایات، شوراهای دفاع ترونها لغو گردیدند. از آغاز ربع چهارم سال ٦۵ قرارگاه سرقوماندانی قوای مسلح ایجاد و همه روزه فعالیت مینماید.

طی نه ماه اخیر توسط قطعات و جزوتامهای اردو، خارندوی و قطعات امنیت دولتی ده ها عملیات موفقانه علیه گروپهای آشتی ناپذیر انجام داده شده است. آنچه که به عملیات کندهار ارتباط میگیرد، این عملیات دو ماه دوام داشت. در مورد این عملیات میخواهم بطور خاص صحبت نمایم.

نیروهای مخالف اوضاع را در شهر و ولایت کندهار عملا تعیین میکردند، و در مقابل فعالیت ارگانهای محلی موانع ایجاد مینمودند. کندهار به منطقهٔ نهایت دشوار و خطرناک برای کشور تدریجا تبدیل گردید، ما با در نظر داشت تمام این مطالب، تصمیم راهبینی بر آمادگی و اجرای عملیات وسیع محاربوی بخاطر تغییر اوضاع نظامی ـ سیاسی در ولایت بنفع ما اتخاذ نمودیم.

نیروهای مخالف ضایعات زیاد تسلیحاتی و انسانی را متحمل گردیدند. تعداد زیادی سران باندها یا بقتل رسیدند و یا به پاکستان فرار نمودند. مردم بچشم خود به نیرومندی قدرت دولتی و قوای مسلح ما معتقد گردیدند. اوضاع در شهر و ولایت بطور قابل ملاحظه بهبود یافت.

ما در جریان عملیات محاربوی تدابیری را بخاطر بسیج تمام نیروها و وسایل ممکنه برای اجرای اقدامات سیاسی، تبلیغاتی، ترویجی، و همچنان برای حل مسایل اجتماعی ـ اقتصادی روی دست گرفتیم. بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. مصوبه خاصی را پیرامون تمام مسایل تصویب نموده است.

کارمندان و جزوتامهای محاربوی وزارت امنیت دولتی در سرکوب گروه های آشتی ناپذیر مستقیما شرکت میورزند. اعمال تروریستان و تخریبکاران را کشف و قطع مینمایند، فعالیت ضد مردمی سازمانهای مخفی ضد انقلابی را افشا و عقیم میسازند، آنها در عین زمان سهم بارز را در تحقق مشی حزب مبنی بر دستیابی به صلح در کشور ادا میکنند.

قهرمانی های منسوبین قوای مسلح ما که در جریان رویاروئی با دشمن از خود تبارز داده اند، بیانگر قابلیت محاربوی رشد یابنده آنها میباشد. ده جزوتام نظامی به خاطر پایداری، مردانگی و شجاعت مفتخر به لقب قطعات «قهرمان» گردیده اند.

بیش از سی هزار افسر اردو، خارندوی، امنیت دولتی مفتخر به دریافت نشانها و مدال های ج.د.ا. گردیده، یکصد و چهل و سه افسر مفتخر به دریافت رتبه جنرالی و سیزده نفر مفتخر به لقب قهرمان ج.د.ا. گردیده اند.

از آنها نام میبرم، شهید فیض محمد، شهید احمدالدین، شیرزمین جمعه خان، کابلی، شهید احمد سعید، جمعه، شهید سید حبیب، عبدالرشید دوستم، شهید غلام فاروق، شهید محمد حسن، صاحب محمد و شهید اختر محمد.

در مورد کمک های واقعا بی‌شایبه که سربازان انترناسیونالیست قطعات محدود اتحاد شوروی به مردم ما در مبارزه بر حق آنها مبذول داشته اند، لازم است به صورت خاص صحبت شود.

این مبارزین انترناسیونالیست همه روزه با در مخاطره انداختن زنده‌گی خویش، هزاران طفل، زن و پیر مرد افغان را از مرگ نجات داده، به کارگران امکان تولید، برای دهقانان امکان جمع آوری حاصلات و برای اطفال امکان رفتن به مکتب را فراهم می آورند. روزهای ماه میزان سال قبل را به خاطر

(ص ٦)

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیهٔ رفیق نجیب‌الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص ۵)

بیاورید که مردم افغانستان با چه عشق و چشمان اشک آلود شش‌غند قطعات محدود نظامی اتحادشوروی رابوطن شان بدرقه نمودند. یکصدو چهل ودو هزار تا مه امتنان نامه و نامه های دوستی عنوانی کمیته مرکزی حزب درین زمینه مواصلت نموده است. برادری رزمی میان‌سربازان افغانی و شوروی که روز تا روز استحکام می یابد، دست آوردبزرگ مااست که ماآنرا باید بمثابه‌مردمک چشم نگهداری نموده و همه جانبه توسعه بدهیم.

کشور ما از خلق شوروی وسربازان انترناسیونالیست آن بخاطر کمک های گذشته وفعلی آنها جهت احیای افغانستان نوین سپاس گذاری جاودانه خویش را ابراز می دارد. برای همه جهان معلوم است که پروسه عودت قطعات محدود نظامی شوروی از افغانستان آغاز وزمان ختم آن هم هویدا است. هر زمانیکه ایالات متحده امریکا و متحدین آن عدم‌مداخله در اموردا خلی ج.د.ا، راتضمین نمایند، پروسه عودت سربازان انترناسیونالیست به‌کشور صلحدوست ایشان ادامه خواهد یافت.

میخواهم تذکر بدهم که سربازان انترناسیونالیست در۱۲ ولایت مستقر نیستند آنها در پنج میدان هوایی بشمول میدان هوایی بین‌المللی کابل و همچنین در امتداد شاهراه کابل ــ سالنگ ــ حیرتان متمرکز هستند. امنیت عبورومرور ترانسپورت درین شاهراه نه تنها به‌نفع افغانستان، بلکه به‌نفع تقریبا چهل کشور جهان منجمله اتحاد شوروی، هند، فرانسه، جاپان، چکوسلواکیا، آلمان دموکراتیک، آلمان غرب، بلغاریا، سوریه، هانکانگ و بنگله دیش‌که به مقصد تجارت ازآن استفاده به عمل می آورند، نیز میباشد.

نمونه روشن دیگر رشد همکاری های برادرانه بعدی اتحاد شوروی و ج.د.ا، موافقت در مورد آماده گی برای پرواز مشترک کیهانی «شوروی ــ افغان» میباشد که‌درزمان ملاقات‌ما بارفیق میخاییل سرگیوویچ گرباچف در مسکو صورت گرفته است. جای شک نیست که این پرواز به حادثه دارای اهمیت عظیم ملی وبین المللی مبدل خواهدگردید واین جانب‌خرسندم به اطلاع شما برسانم که برای آماده گی عملی پرواز کیهانی آینده، مطابق تصمیم بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، کمیسیون خاصی تحت ریاست بریدجنرال رفیق وطنجار وزیر مخابرات ج.د.ا، ایجادگردیده است.

امابسیاری مسایل ساختار نظامی وتقویه قابلیت محاربوی‌قوای مسلح هنوز حل نگردیده اند. همه قطعات وجزوتام های مادرحال حاضر توانایی آنرا ندارند تابه صورت مستقل وموفقانه دربرابر دشمن قرار بگیرند.

به‌نظر قرارگاه سر قوماندانی قوای مسلح و مسوولین نظامی ما دلایل ذیل گواه سطح پایین قابلیت محاربوی بخش قابل‌ملاحظه قطعات وجزو تامهای نظامی ما می باشد:

ــ سطح پایین اکمال قطعات وجزو تامهای محاربوی، به خصوص در اردو، درنتیجه آن سطح پایین استفاده درست ازسلاح وتخنیک محاربوی توسط‌سربازان وخورد ضابطان.

ــ عدم موجودیت سوق واداره جدی و دقیق قطعات و جزوتامهای محاربوی.

ــ آماده گی ضعیف نظری وعملی منسوبین.

ــ کار ضعیف ارگان های سیاسی، سازمان‌های حزبی وجوانان در قوای مسلح‌ج.د.ا، در جهت تقویه روحیه رزمی منسوبین. این نواقص در امر تقویه قوای مسلح موانع ایجادنموده وامکان آنرا نمیدهد تابرتری لازم بر دشمن بدست آید.

برخی از پرابلم ها را بصورت مشرح تربررسی مینماییم.

در مورد اکمال اردو:

مساله اساسی جلب احضار، وبازهم جلب‌واحضار میباشد. در صورت سطح پایین اکمال قطعات وجزو تامهای محاربوی نمیتوان به صورت جدی در رمورد سازماندهی آماده‌گی محاربوی وسیاسی مطابق پلان و درمورد استفاده درست از سلاح و تخنیک محاربوی‌ودربار هٔ پیشبرد موفقانه عملیات‌محاربوی، صحبت نمود.

ماا کثرا حزب خودرا حزب رزمنده مینمامیم ولی صرف‌شصت فیصد اعضای رزمنده حزب‌در قوای مسلح قراردارند وچهل فیصد دیگر منجمله کارمندان ارگان های حزبی ودولتی‌حتی آماده‌گی عادی نظامی ندارند وسلاح رانمی شناسند. اعضای حزب ازمدت زیادی بدینسو مساله آموزشی همگانی نظامی اعضای ح.د.خ.ا، وسازمان د.ج.ا، که دوره مکلفیت راسپری نکرده اند، بطور دوامدار مطرح مینمایند آنچه که به کارمندان حزبی ودولتی وسازمان جوانان شامل نومنکلاتور ارتباط میگیرد آنها رامیتوان به پروگرام تربیه معاونین قوماندانان قطعات آموزشی داد. دریک کلمه باید هر سازمان مسلکی حزب و سازمان جوانان‌به‌گروپ های محاربوی مبدل گردد، باید رفقا به گروپ های رزمی تبدیل وخود را برای مبارزه آماده کرد مفرزه‌های نظامی‌حزب در ولسوالی ها، شهر ها، ولایات ایجاد خواهند گردید و منشیان کمیته های حزبی مربوط آنها را رهبری خواهند نمود.

برای ستر در ستیز و شخصی لوی در ستیز رفیق شهنواز تنی دستور میدهم تا درمدت یکماه پروگرام سیستم آموزش همگانی نظامی اعضای حزب وسازمان جوانان راتدوین نماید. بگذار درفش استقلالیت افغانستان نه‌تنها در کشور بلکه در کنار پرچم های جهان سرخ رو و سرفراز باشد.

برای سازماندهی بهتر آماده‌گی محاربوی وسیاسی و کارهای سیاسی ــ تربیتی‌لازم است بالای پروگرام این کار ها تجدید نظر گردیده و محتوای آن به سطح‌درک آموزنده‌گان متناسب باسیاست مصالحه نزدیک ساخته شود.

لازم است تا قوماندانان نو شخصیت های بانفوذ محلی، یعنی آنهاییکه فرزندان واقارب شان، وجیبه نظامی خویش را به‌صورت شایسته انجام میدهند، هرچه وسیعتر بکار سیاسی با منسوبین قوای مسلح جلب گردند. برای ما لازم است تا نهاد ملاامامان قطعات وجزوتام های نظامی را تحکیم بخشیده، تدابیر در جهت توسعه این نهاد ها تا سرحد توسعه خدمت این ملاامامان در غند هاو کندک ها را اتخاذ نماییم. مسوولیت کامل ارتقای سطح کار سیاسی بدوش رفقا توخی، زیارمل، منگل و صخره گذاشته میشود.

یک مسئله مبرم دیگر: قوای منطقوی مابر بنیاد دسته هاوگروپ هایی که قبلا در مقابل حاکمیت مردمی می جنگیدند، ایجادمیشوند. اکنون اکثریت مطلق آنها مکلفیت های خویش را به طور شایسته انجام میدهند. ولی کارتربیوی در قطعات وجزو تامهای قوای منطقوی به طور ضعیف پیشبرده میشود. برای قوماندانی قوای منطقوی (رفیق ضیاء الدین) کار. مندان سیاسی قوای مسلح، منشی های کمیته های حزبی‌ولایتی وولسوالی ها لازم است تا کار تربیوی رابا این بخش منسوبین نظامی افزایش بخشند، و وضع امور را در تشکیل های منطقوی و مناسبات متقابل آنها رابا یکدیگر مورد توجه جدی‌قراردهند. این یک مساله خاص است. ما منتظر پیشنهادات شمار فقای نماینده هستیم.

یکی از مهمترین پرابلم ها در تمرکز تشریک مساعی لازم میان اردو، خارندوی، وارگان های امنیت دولتی نهفته است. لازم است تانقش قرار گاه‌سرقوماندانی وستر در ستیز قوای مسلح‌ارتقا یابد. کنترول وبازپرسی ازقوماندانان به خاطر اجرای اوامر نظامی تشدید گردد.

معضله عمده دیگر عبارت از بهبود تاکتیک پیشبرد فعالیت محاربوی است. یا چطور؟ رفقا گلابزوی، یعقوبی، تنی چه میتوانید بگوئید؟ دفاع‌خواهیم‌کرد. داود، اخک لودین‌وعده میدهیم خودرا شنید یدآن‌عضو حزب وحتی‌میگویم افغانی‌که امروزسهم‌فردی‌خویش‌رادر تقویه‌اردو خارندوی و ارگان های امنیت‌دولتی ما ایفا نمی نمایند نمیتوانند خودرا فرزندان این وطن وبالا تر ازآن‌وطن پرست بنا مند. زمانیکه مامیگوییم: «همه برای پیروزی مصالحه ملی» هدف‌ما درحقیقت «همه برای تقویه اردو»، «همه برای تقویه قوای‌مسلح» میباشد.

بعضی ها بابی رویی میگویند که‌بعد ازعودت قطعات محدود نظامی نمی توانند از افغانستان دفاع نمایند. ما با داشتن چنین اردو، متحدین سیاسی به تمام مردم افغانستان و به تمام جهان اعلام میداریم که ما پیروز میشویم.

در مورد نظریه (دکترین) نظامی ما در شرایط مصالحه:

این نظریه به طور همه جانبه خصلت ساختار اجتماعی ــ دولتی مارا منعکس میسازد و بوسیله‌آن سیاست داخلی وخارجی‌ح.د.خ.ا، در جهت دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور وکار صلح آمیز مردم افغانستان مشخص می گردد. برای تحقق وظایف عظیمی‌که توسط انقلاب ملی ــ دموکراتیک مطرح گردیده اند، کشور به‌صلح وتامین مناسبات عادی سیاسی، اقتصادی، تجارتی وغیره باتمام دول، قبل از همه باکشور های همجوار نیاز دارد. خصوصیت مهم دکترین نظامی مایعنی خصلت دفاعی آن ازین امرناشی میگردد. افغانستان هرگز عملیات نظامی تعرضی‌علیه کشور ها و یا خلاف کشور های دیگر را انجام نخواهد داد، مگر اینکه خود مورد تجاوز مسلحانه قرار گیرد. علاوه برآن ماآماده‌گی نظامی قوای مسلح خودرا بخاطر اینکه امکان‌تجاوز مارا غافلگیر نسازد، پیوسته ارتقاخواهیم‌بخشید.

بدین ترتیب دراساس دکترین نظامی ما دو اصل قرار دارند: آرزومندی برای خود داری‌ازتصادمات نظامی با همسایه گان‌وتوانایی دادن پاسخ به متجاوز در صورت حمله بالای افغانستان.

میخواهم چنین سوال را دربرابر رهبری نظامی وحزبی ما قراردهم: چراما باچنین کندی و مشکل ساحات کشور را از دست مخالفین آزاد میسازیم؟ انقلاب ملی دموکراتیک قبل از همه به نفع دهقانان تحقق می پذیرد. وما در شهر ها، قریه های اطراف‌آن آرام نشسته ایم.

چنین است دینامیزم گذار قریه ها. تحت کنترول حاکمیت دولتی درسال ۱۳۶۲ یکهزارو هشت صدو نزده قریه در سال ۱۳۶۳ یکهزارو دو صدو پنجاه ودو، در سال ۱۳۶٤ــ۱۵۲۵، در سال۱۳۶۵ ۱۳۱۹ قریه در جریان ده ماه مصالحه یکهزارو پنج صدو نودو شش قریه از طریق‌صلح آمیز بدولت پیوسته اند. باید به خاطر هر قریه مبارزه کرد. هر مسوول ولایتی وولسوالی مکلف است که قریه های تحت قیمومیت خویش را داشته ودر آنها کارکند. ما باید نه‌تنها اهمیت این‌کار را درک کنیم بلکه بر مالازم استتا این مسایل راحل کنیم، عمل وباز هم عمل کنیم، رفقا از ولایات ارزگان، بامیان، کاپیسا، غور ونیمروز که در آنها طی مدت مصالحه ملی یک قریه هم آزاد ساخته نشده استچه میتوانند به نماینده‌گان بگویند؟ درین‌ولایات نیرو های خارندوی، امنیت دولتی، نیزوجود دارند ضمنا این نیرو ها کم نیستند.

امکان پذیر است بلی! ودر باره یک مساله نهایت مبرم: افرادی که به خاطر امر انقلاب ثور و زنده گی صلح آمیز خون خویش‌راریخته اند، بایدازجانب‌دولت وسازمان های اجتماعی کمک های لازم مادی و معنوی رابدست‌آورند. ما باید دربار هٔ ایجاد کمیته‌دولتی معیوبین و خانواده های شهدای انقلاب‌ثور به‌طوردسته جمعی با هم مشوره کنیم. این‌امرمیتواند نمایانگر روشن بشر دوستی و مواظبت درباره نیازمندی های زحمتکشان باشد، جنگ ده ها هزار انسان را معیوب ساخت. نیاز مندی های‌آنها خیلی زیاد اند. به طور مثال بسیار معیوبین تقاضای بدست آوردن بایسکل های معلولین را دارند. ولی مانمیتوانیم تقاضای آنها را بر آورده سازیم. این‌جانب از سفرای محترم کشور های دوست که دراین جاتشریف دارند، تقاضای کمک مینماییم. ما از حکومات مشابه خاطر کمک دراین امربشر دوستانه و مشخص‌سپاس گزار خواهیم بود.

رفقا!

جامعه معاصر افغانی منظره رنگا ــ رنگ را در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، ملی، فرهنگی و معنوی نشان میدهد.

اقتصاد مارا درنظر گیرید. درعین زمان نهاد های اساسی اقتصادی همز مان وجود دارند که بر خورد های خاص خویش را نه تنهادربخش اقتصادی، بلکه در بخش های اجتماعی ــ سیاسی نیز می طلبند. این نهاد ها از لحاظ خصلت اجتماعی ــ اقتصادی خویش ازهم تفاوت دارند. هر کدام آنها جهت خاص تکامل خودرا دارد وهرکدام‌امکانات گوناگون برای انکشاف خود در اختیار دارند. ولی تمام آنها باهم زیست میکنند ودراین یاآن شکل باهم ارتباط دارند وبالای یکدیگر اتکا مینمایند. در تشریک‌مساعی آنها ما چنین مناسباتی رامشاهده نمیکنیم که هر نهاد سعی ورزیده است تا نهاد دیگر را شکست‌دهد ویاآنرا اززندگی اقتصادی خارج سازد. درین جاما به این نتیجه گیری میرسیم که‌قبل از همه عوامل اجتماعی ــ اقتصادی موجب تبارز ضرورت سیستم چندین حزبی و ائتلافی گردیده اند. استفاده هدفمند از تمام نهاد هابرای استقرار وانکشاف کشور، برای رفع کامل احتیاجات وخواست های‌مردم وظیفه درجه یک میباشد. فراموش نمیکنیم که نهاد های اقتصادی مقولات کتابی ومجرد نیستند. آنها اشکال وشیوه های تولید اند که‌در آن اکثریت هموطنان ما مصروف‌می باشند. وتمام آنانیکه دراین ویاآن سکتور مصروف اند، میخواهند‌که منافع وخواست های آنها درنظر گرفته شوند و در عرصه اقتصادی‌و اجتماعی‌انعکاس یابند.

طرز انکشاف اقتصادی‌امروزی مانرا میتوان شاخه‌وی تلقی نمود اما وظیفه ازبین بردن عقب مانده گی را انواع معین تولید اجتماعی ویا نهاد ها بصورت کل تشکیل می دهند ونه‌وزارت‌خانه‌ها شاخه‌وی.

رفقا برای اینکه ساده شود‌شما صنعت را در نظر بگیرید ما به رشد سکتور دولتی توجه کردیم و لی صنایع دستی را در نظر نگرفتیم، در زراعت هم چنین است و این انعکاس دربالا هم واضح است. ازینرو ما تمام احزاب سیاسی که ازین‌گروپ‌افراد نماینده گی‌میکردند ولی ما آنها را در نظر نگرفتیم در اینجا از (سازا) رفقا بغلانی وکوشانی وجود دارند. ازینرو ما می گفتیم که دیگر احزاب نباید وجود داشته باشند، در کتابها نوشته شده است‌که حزب کارگر باید حزب طراز نوین باشد اما ما کتابی بر خورد کردیم و منافع جنبش و مردم را در نظر نگرفتیم. ح.د.خ.ا اگر امروز مثلا بغلانی، کوشانی، سازا در محفل ما وجود داشته آیا نمایانگر اتوریتهٔ ما است. یاقدرت ما؟ قدرت‌ما.

ازینرو وظایف انکشاف‌ما باید نهادی باشند.

حل وفصل وانتظام اقتصادملی‌امروز «به تفکر نهادی» نیاز دارد. امروز درباره بازسازی اقتصادی‌چندین نهاده بدون اینکه برای هر نهاد وظایف به خصوص واهداف به خصوص رشد تعیین گردند، نمی توان به طورجدی فکر کردوصحبت نمود. مسلما برای‌ما مهم است، بدانیم که افغانستان‌درسال دوهزار چه مقدار انرژی برق تولید خواهد کرد و مهمتر از همه اینست که‌در مورد مرز های رشد اجتماعی ــ اقتصادی، که کشوربعداز ده الی پانزده‌سال به‌آن دست خواهد یافت، تصور روشنی داشته باشیم از همینجا است که مساله‌پیشبینی وپروگرام سازی رشد اجتماعی ــ اقتصادی برای ما ارزش دارد.

با درنظر داشت اینکه بیروی سیاسی به رفیق کشتمند وظیفه‌داد تابیانیه خاصی را در مورد رشد اقتصاد ملی در شرایط ائتلاف ایراد نمایند، اینجانب بالای بعضی پروبلم های اجتماعی ــ اقتصادی مکث‌خواهم کرد:

سیاست ارضی حزب بسیار به کندی بازسازی میشود. اشتباهاتیکه درکار با دهقانان رخداده بود آنها را از حزب دور ساخته و نزدیکی آنهارا به کمپ دشمن مساعد ساخت.

قبلا به رشد موسسات دولتی و کوپراتیفی اگر چه سهم آنهادر محصولات زراعتی یک فیصد بود، توجه اساسی معطوف میگردید. مناسبات جدید ارضی و آب به اندازه زیادی با اصول عدالت، کاریابی کامل واستفاده موثر از آب‌وزمین‌مطابقت دارد. درین عرصه مسایل تاخیر ناپذیر کدام ها اند؟:

ــ توزیع عادلانه واستفاده معقول از هر قطره آب و هر جریب زمین.

ــ احیای پخته کاری‌وزرع سایر نباتات صنعتی. درآینده نزدیک جرگه پخته کاران را دایرخواهیم نمود.

ــ حل پرابلم گوشت و مواد غذایی به خصوص در کابل، بدین ارتباط ایجاد فوری فارمهای مرغداری و اقتصاد فرعی.

ــ آماده نمودن کادر های‌تخنیکی زراعتی.

برای‌ما لازم است تاتاثیر حزبی را دربین دهقانان تشدید بخشیده وجلب و جذب‌دهقانان رابه‌ح.د.خ.ا، توسعه بخشیم. در کشور ماحزبی که خود را حزب مردمی مینامد باید برتوده های دهقانی اتکا داشته باشد. کمیته مرکزی تاحد زیاد در برابر دهقانان مدیون است. طی پنج سال اخیر بار هاتلاش صورت گرفت تا مسایل سیاست ارضی در پلینوم خاص کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گیرد. در عمل هیچ کاری صورت نگرفت بیروی سیاسی پیشنهاد مینماید تاپلینوم نوبتی بعدی وقف‌مسایل حال و آینده انکشاف سکتور زراعتی گردد.

برای ما جدا لازم است تانقش اجتماعی ــ اقتصادی سکتور دولتی بهبود و تشدید یابد. این سکتور نه در حرف بلکه در عمل باید بمثابه سازمانده رشد نیرو های مولده در تمام نهاد های‌اقتصادی تبارز نماید. وبالاخره این‌سکتور باید به سکتور اساسی نه تنها نظر به موقف اجتماعی خود، بلکه نظر به دست آوردهای خوددرعرصه های اقتصادی‌مبدل گردد. سودآوری ورشد دایمی بازدهی کار، استقامت های اساسی بهبود کار سکتور دولتی میباشند.

برای آنکه رشد اقتصادی‌قابل قبول برای همه باشد ما باید از حلقه اساسی ارتباطی ومیکانیزم اساسی انتقالی اقتصاد مانرادرست تعیین نموده ودرست از آنها استفاده نماییم. چنین حلقه عبارت از بازار است ومولدین کالایی در مناسبات تولیدی بمثابه‌عامل‌مرکزی تبارز خواهند کرد. و سیاست اقتصادی ما باید به منافع مولدین کالایی تمام توجه خودرا مبذول نماید. آینده مولدین کالایی بارآوری موسسات آنها بایدبه مساله که همیشه تحت مواظبت ماقرار داشته باشد مبدل گردند. بگذار کسی که کالا هارا تولید نموده و آنرا به بازار عرضه مینمایداطمینان حاصل کندکه در مقابل محصولات خود قیمت عادلانه رابدست آورده و دربازار از جانب دولت‌در تنگناه قرار نخواهند گرفت. سیاست دولتی باید تحقق عینی اصل‌همکاری عادلانه و کمک مفید متقابل برای تمام نهاد هاو تمام مولدین کالاهارا تامین نماید.

محور پروگرام های اقتصادی ما عبارت از انکشاف مولدین است.

بدین ارتباط یکبار دیگر بالای آماده گی مابرای توسعه هر چه عمیق تر تماس های ما با متشبثین خصوصی تاکید مینماییم.

لازم است کار در جهت توسعه وتعمیق همکاری های طویل المدت اقتصادی بین افغانستان و اتحاد شوروی منجمله پیشبرد کار ها در عرصه های صنعت، زراعت، ساختمان و تجارت سرحدی‌در صفحات شمال ج.د.ا، تقویه‌گردد طی دوسال آینده ارتباط سیستم انرژتیک صفحات شمال افغانستان با اتحاد شوروی زیاد تر تقویه خواهد یافت.

در مورد همکاری های مستقیم ولایات ج.د.ا، با ایالات‌وجمهوری های اتحاد شوروی به صورت جداگانه صحبت مینماییم.

همکاری و مناسبات مستقیم سرحدی به امر تعمیق بعدی دوستی افغان ــ شوروی مساعدت خواهند کرد. مهم این است که موجودیت این ارتباطات موردقبول نیرو های اپوزیسیون نیز قراردارد بدین ترتیب این مناسبات به‌تحکیم اداره ائتلافی کمک خواهدکرد.

درسالهای اخیر ما همیشه‌مسایل راجع به نقص آشکار، زشت و افتضاح آمیز مقررات ونورم هادر زمینه توزیع اموال امدادی که‌کشور برادر اتحاد شوروی دراختیار ما قرار میدهد، مطرح‌مینماییم. بدین لحاظ کمیته مرکزی ودولت موظف اند تا ساختار میکانیزم لازم برای توزیع کمک های بلاعوض راباشرکت کمیسیون مصالحه ملی، که امکان توزیع غیر عادلانه وغیر صادقانه آنرا منتفی سازد، طرح نمایند. علاوه‌برین لازم است تاسیستم کنترول مردمی از بالا تاپایین ایجاد شود و به این ارگان ها وسیعترین صلاحیت داده شود.

اطمینان دارم نماینده‌گان ازین پیشنهاد پشتیبانی مینمایند و همچنان همه مردم افغانستان ازین که کمک بلاعوض به صورت عادلانه برای‌شان نمیرسد، وازاینکه اختلاس ورشوه‌ستانی به منبع ثروتمندی افراد واشخاص تبدیل شده‌است، انزجار خویش را ابراز میدارند.

رفقای نماینده!

رهبری افغانستان همیشه‌درجهت دیالوگ دایمی با اپوزیسیون «اتحاد هفتگانه» وسایر سازمانها مساعی بخرج میدهد. هیچکس نمی تواند از سازنده بودن این‌دیالوگ انکار نماید. طی ده ماه حکومت‌ما چهارده اعلامیه را در موردسازش ها وگذشت ها به نشر سپرد.

در پاسخ، ما چه بدست آوردیم؟ باوصف اینکه‌سیاست مصالحه‌ملی طرفدارانش بیش از بیش‌راکسب میکندونیرومیگیرد، شدیدا از جانب افراطیون‌مسکوت گذاشته‌میشود. در عین‌زمان‌ما اکاذیب واراجیف را می شنویم و تخریبات وسیع آیدیو ــ لوژیک را می بینیم که در ماهیت امر ابعاد «جنگ روانی» رابازیرکی بیرحمی و شیوه های محیلانه و رذیلانه مختص به خود توسعه‌می بخشد. پروگرام های رادیو های دروغ پراگنی، نفرت، تهمت وتهدید ازدیاد می یابند. این‌پروگرام های رادیویی به تمام زبان های مردم افغانستان پخش میگردند.

اگر قبل از انقلاب وسایل‌اطلاعات جمعی غرب به ندرت ازافغانستان نام میبردند، اما اکنون گویی‌بایک قوماندہ، دستگاه های رادیویی مختلف منجمله هشت دستگاه رادیویی در قلمرو پاکستان برای بدنام ساختن مصالحه ملی‌با هم مسابقه مینمایند. نشرات، پوستر ها، اوراق تبلیغاتی، ویدیو کست وکست های رادیویی با مواد، شعار هاو دعوت‌های ضد دولتی تحریک آمیز مانند سیلی به‌حرکت‌درآمده‌اند.

اما از سران «اتحاد هفتگانه» بپرسید که سرنوشت اعلامیه افتضاح آمیز مورخ ۲۷ جدی سال ۱۳۶۵ آنها که درجواب اعلامیه مصالحه ملی ماپخش گردیده بود، چگونه است؟ هیچ یک از مواد این اعلامیه عملی نگردیده است. طرف مقابل سوگند یاد کرده‌بود تا در ساحه‌ایشان انتخابات صورت نگیرد اما این پلان نقش برآب شد. آنها درسرتاسر جهان خبر ایجادحکومت افغان در هجرت راپخش کرده‌بودند. چیزی ازآن‌به دست‌نیامد بعدا‌آنها در مورد تدوین طرح قانون اساسی اعلام کردند. بازهم‌پلان شان نقش برآب گردید. این ماجراجویی‌ایشان نیز ناکام گردید. مردم مصروف بحث ابرازنظرپیرامون طرح قانون اساسی ماهستند. بحران عمیق، رکود، تلاش به خاطر ازبین بردن همدیگر چنانچه چندی‌قبل باگلبدین، خالص‌واحمدشاه صدمه اتفاق افتاد، این است مشخصات فعالیت «اتحاد هفتگانه». آنها مانند عنکبوت‌دردام خویش افتاده اند جالب است که رهبران هفت سازمان ضد انقلاب بادرنظر داشت تغیر بر خوردبرخی از مهاجرین افغانی مقیم پاکستان، محافظین شخصی خودرا با اتباع پاکستانی عوض نمودند.

ماتمام دلایل کافی برای این ادعا داریم که اعلام‌سیاست مصالحه ملی بوسیله حزب ماعمده ترین، مروج ترین، کاذب ترین شعار راازدست ضد انقلاب بیرون‌کشید.

اپوزیسیون کماکان السابق در سراسر جهان فریاد میزدندکه‌گویا قوای شوروی افغانستان رااشغال کرده‌اند ودرعین زمان به ارقام و آمار دست میزدندو میگویند که هشتادوپنج فیصد خاک افغانستان بدست ضد انقلاب قرار دارد. این اشخاص سبک سر نمی‌خواهند چیزی را ببینند وبشنوند. امامردم بیش از پیش درک میکنند که‌دوست آنها کیها اند و دشمن آنهاکیهااند.

مردم مشاهده میکنند که‌درجریان مصالحه از ولایاتی مانند نیمروز، فراه، لغمان، بامیان، غوروارزگان ارگون، ولوی‌ولسوالی‌خوست‌قطعات نظامی‌افغان ــ شوروی بیرون‌کشیده شده اند. اهالی محل حاکمیت‌مردمی ودفاع مطمئن خودی رابر قرار ساخته اند.

مخالفین از لحاظ اینکه گویا در ج.د.ا، ودر شهر کابل اسلام‌درخطر است اشک میریزند. دروغ خشن چنین شعار تا حدی آشکار است حتی ژورنالیستان غربی که ازکابل بازدید نموده بودندازاین موضوع صرفنظر کردند ودیگر کسی به‌آن منقار نمیزنند. با استفاده ازفرصت ما، خطاب به ملاهای که‌درآن‌طرف به سر میبرندازآنها دعوت به‌عمل‌می‌آوریم تا به وطن خویش که درآن کار عظیم انتظار آنهارا میکشد، عودت نمایند. ما درقریه ها (٤۵۰) نفر و در قوای مسلح (۲۲۰) نفرملا کمبود داریم.

در طرف (هشت) سال اخیر برای اعمار مساجد وارائه کمک به روحانیون‌اضافه‌تر از ۹ملیاردافغانی اختصاص داده شده است. این رقم سه مرتبه اضافه تر از مبلغ پولی است که طی پنجاه سال قبل از انقلاب به همین مقصد به‌مصرف رسیده بود. فعلا اضافه ترازیک هزار ملا وعالم در ارگانهای‌محلی قدرت واداره دولتی به حیث نماینده‌انتخاب گردیده اند.

حالا باید دید که به اصطلاح «مدافعین اسلام» به خاطر مسلمانان افغانی چه کار هایی راانجام داده اند. آنها در حدود یکهزار نفر

(ص ۷)

دومین کنفرانس سراسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بیانیهٔ رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص ٦)

روحانی رابخاطر خدمت به مردم وبه خاطر کار درامر استقرار صلح در کشور، به شهادت رسانیده، صدها مسجد را ویران وبه دهها اماکن مقدس بی‌حرمتی کرده‌اند، کتب دینی و قرآن عظیم الشان رابه‌آتش کشیده‌اند.

ارتجاع در هستری سیاسی، سوگند میخورد که هرگز ح.د.خ.ا. را در حکومت ائتلافی نخواهد پذیرفت. بدون تردید که این سرو صدا های قصرسفید است. این قصر سفید است که مایل نیست تا ح.د.خ.ا. در راس میز مذاکره در مورد مصالحه افغانها قرار داشته باشد. به اینها چه میتوان گفت؟ مردم میبینند که کیها زندگی رابه افغانها به ارمغان می‌آورندو کیها مرگ را، مردم این مساله‌را بدون اشتباه حل خواهند کرد و شیوه حل آنها درست خواهدبود.

مردم میدانند که ح.د.خ.ا. برای زندگی بهتر و صلح آمیز چه کار های بزرگی را انجام داده‌ومیدهد.

در صورتیکه رهبران اتحاد هفتگانه در قبال مصالحه ملی موضع سازنده را اتخاذ نکنند مابر قراری تماس ها رابا قوماندانان گروه های مسلح داخل کشور وهم چنان قوماندانان درجه دوم که‌در خارج از کشور قرار دارند تسریع خواهیم بخشید. مابرای آنها پیشنهاد میکنیم تابه تشکیل ارگان های ائتلافی اداره با حفظ خود مختاری معین خویش در مناطق تحت کنترول خود شامل گردند. بدون شك آنها تماس های متقابل مفید را با حکومت مرکزی در کابل بر قرار خواهند کرد.

مابه این فکر هستیم که طی تماس های آینده با مخالفین خارج از کشور و از نیرو های معتدل لو بیطرف جهت عادی ساختن اوضاع درکشور استفاده نماییم. پیشنهاد مطرح میگردد که در شهر کابل دفتر نمایندهگی سازمان های عمده مخالف افتتاح گردد. به شرط اینکه روسای آنها رضایت اصولی خویش را باندیشه سازش و تامین صلح وامنیت ابراز نمایند.

يك گام دیگر را در جهت صلح وامنیت برمیداریم. بیاییدیکبار دیگر برای اپوزیسیون، بجای کوبیدن دروازه جنگ، آشتی وامتناع از دامن زدن به خصومت بین هموطنان را پیشنهاد کنیم، تا بعد از آشتی آنها سر افگنده نشوند.

رفقا!

درنشانهای مصالحه ملی دست های فشرده ترسیم شده اند. ما دست های خودرا نه به خاطر جلب ترحم بلکه بخاطر دوستی درازنموده ایم. این اراده مابه صلح است و این اراده راسخ وخلل ناپذیراست. ما در آینده نیز ازاولین جوانه ها و ثمره های صلح ملی در مقابل آنهاییکه تلاش دارند آنهارا پامال ومسموم سازند ودر مقابل آنهاییکه میکوشند تا ماو آرزوی های مارادر مورد صلح ازبین ببرند، قاطعانه دفاع خواهیم کرد.

سیاست مصالحه ملی در حال حاضر برای اکثر کشور هاییکه بخاطر دگرگونی های انقلابی، استقلال و تمامیت ارضی میرزمند، به گرایش تعیین کننده تبدیل شده است.

رفقای نیکاراگوایی و درمجموع کشور های امریکای لاتین به‌موفقیت های بزرگ نایل شده اند. درهندو چین گرایش های امیدوار کننده به مشاهده میرسد. رفقای کمپوچیایی بر اساس تجربه افغانستان برنامه خیلی مشخص وجالب رافورمولبندی نموده‌اند.

بدین ترتیب سیاست مصالحه ملی واقعا به دست آورد جنبش ملی۔ دموکراتیك بسیاری خلق ها و کشور ها وبه جزلاینفك زندهگی جوامع بین‌المللی مبدل شده‌است.

بدین ترتیب مسوولیت ما هم‌دربرابر مردم ماودر برابر جنبش آزادی بخش بین المللی افزایش می یابد.

مردم ما ادعا ندارند که آنها مصالحه ملی راابلاغ نموده اند، بلکه مردم ماخواهان تحقق سیاست مصالحه ملی میباشند.

شخصیت های سیاسی و دولتی و همچنان ژورنالیستان کشورهای غربی به سوالات ذیل دلچسپی‌خاص نشان میدهند:

ـمیکانیزم تحقق سیاست‌مصالحه ملی چگونه عمل میکند؟

ـکمیسیون های مصالحه ملی چگونه کار میکنند؟

ـمهاجرین بعد از عودت چگونه وارد زنده‌گی میشوند؟

ـپیوستن گروه های مسلح مخالف بدولت چگونه صورت می گیرد؟

ـدرین اواخر در مورد خروج قوای شوروی ازبعضی ولایات و در مورد اینکه اهالی محل اداره امور راچگونه بدست می گیرند؟ سوالات زیاد بوجود می آید.

سوالات وپاسخ ها برای‌بسیاری خارجی ها غیر منتظره معلوم میشوند. این امرناشی از آنست که ما تا الحال نمیتوانیم تمام غنای اندیشه های‌مصالحه را به افکار عامه برسانیم. دشمن اکثراً با پیروزی عمل میکند ووواریانت خودرا تحمیل مینماید.

ما با انسجام عمل باید کار سیاسی و تبلیغاتی را درعرصه بین‌المللی تقویت بخشیم‌و تبلیغ سیاست خارجی رابیشتر موثر سازیم تا جهانیان درمورد گرایش های سالم تصور درست داشته باشند. به پیشواز چهل ودومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل۔ متحد ما از امکانات به خاطروارد ساختن تعدیلات درطرح قطعنامه راجع به افغانستان به صورت‌وسیع استفاده کرده‌ایم. دیپلوماتهای ما از (پنجاوسه) کشور جهان بازدید نمود موصه جا حقیقت رادر باره مصالحه حکایت‌نموده‌اند، ومشی کنونی سیاست داخلی و خارجی ج.د.ا، را مفصلا توضیح نموده‌اند.

در آستانه دور جدید مذاکرات ژنیو ضرور است تا جهت عقیم ساختن خصلت تجاوز گرانه سیاست اسلام آباد بالای ادارهٔ نظامی پاکستان فشار جدی وارد آورده شود. بر قراری تماسهای قاطعانه، بسط و توسعه آنها ابتکار، گذار به دیالوگ جدی،

شروع به کار درین عرصه ازجمله وظایف کمیته مرکزی ودیپلوماسی ما ت های ما محسوب میگردد. درینجا دوستان خارجی ما، دیپلوماتهای کشور های دوست حضور دارند. نمایندهگان کنفرانس مابه خلقهای کشور های دوست درود های گرم وسپاس گذاری قلبی خویش را به خاطر کمك های بیغرضانه آنها ابراز مینمایند.

رفقا!

مطابق تصامیم پلینوم ماه جوزای کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، کمیسیون بیروی سیاسی کار خویش را در مورد طرح جدید، برنامه عمل ح.د.خ.ا، به پایان رسانید.

بر نامه عبارت از درفش رزمنده حزب انقلابی، سند اساسی تیوریکی وسیاسی آن است که در آن به صورت دقیق و فشرده عمده ترین وظایف واهداف نزدیك و دور نمایی حزب وطرق رسیدن به آن فورمولبندی میشود.

تحولاتی که در ظرف‌پنج‌سال اخیر در کشور ماصورت گرفته مشی جدید حزب پیرامون مصالحه ملی، ضرورت‌تطبیق برنامه عمل‌ح.د.خ.ا را با زندهگی و باقانونمندی های عینی رشد و تکامل اجتماعی، تامین نموده‌اند.

ح.د.خ.ا، به صورت دوامدار مسایل تیوریکی و عملی مبارزه در راه ختم جنگ خونین واستقرار صلح در افغانستان، راترتیب وتنظیم مینمایند. پلینوم شانزده، پلینوم فوق العاده وهمچنان‌پلینوم ماه جوزای کمیته مرکزی حزب ما سهم بزرگی را درین امر ایفا نموده‌اند. اسناد پلینوم های‌مذکور اهمیت پروگرامی‌داشته، سازمانهای حزبی رابا پلان مشخص مبارزه در جهت صلح ملی مجهز نموده، تیوری وپراتیك انقلاب ملی ودموکراتیك کشور ما را غنی ترساخت.

حزب ما دورنماهای مبارزه به خاطر رسیدن به صلح و ختم جنگ برادر کشی رابا خوش بینی ارزیابی میکند. درعین حال ما وظیفه خویش را ساده نپنداشته، مشکلات عملی ساختن آنرا درك کرده، موانع زیادی را دراین راه مشاهده میکنیم. اما ح.د.خ.ا، به آگاهی ملی ونیروی قوی توده های مردم یعنی آنهاییکه تشنه صلح هستند ایمان داشته‌این وظیفه را در نزدیك ترین زمان آینده قابل حل میداند.

بین برنامه کنونی و طرح برنامه جدید تداوم وپیوستگی وجود دارد. مابه اهدافی که در برنامه عمل قبلی تعیین شده‌اند، هنوز نایل نگردیده ایم. بنابراین وظیفه ستراتیژیکی آن یعنی اعمار جامعه عادلانه وجدید در افغانستان اهمیت خویش را دراین سند که مورد مطالعه تان قرار داردبامندرجات تیوریکی وسیاسی آن موشد گنجانده شده‌است.

طرح جدید از عناصر چون شتابزدگی قبل از وقت تبارز بر خورد سطحی وساده ساختن در بر خورد باپرابلمهای اساسی‌پروسه انقلابی تصفیه شده‌است. حالاکاملا واضح است که انقلاب ملی دموکراتیك يك مرحله ضروری و حتمی در راه تامین همه جانبه ترقی کشور است. اماثمرات ونتایج اساسی این پروسه نمیتواند دفعتا و در مراحل اولی انقلاب متبارز گردند. ما درواقع تصویرراساده‌تر ساخته ودر اهمیت تحولات مبالغه مینمودیم و به صورت عجولانه در مورد آن دروسایل اطلاعات جمعی اعلام مینمودیم. دربرتو مطالبات زندگی و صلح ملی اضافه تر ازهمه در مورد سیستم جدید سیاسی تعدیلات وارد گردیده است. وظیفه ماعبارت از این بود که حزب با تشکیل این سیستم جدید سیاسی و مسلما مقام خویش در آن‌بر خورد واقعا دیالکتیکی وموثر بنماید. برای این کار ضرور بود تا ماازتصورات نهایت سخت گیرانه دربارهٔ‌ساختار چنین سیستم از پرنسیپ سیستم يك حزبی‌واز بر خورد یکجانبه با سایر نیرو های اجتماعی وسیاسی دیگر احتراز جوییم نیرو هاییکه تا همین‌اواخر ماد‌روجود شان‌همکاران جدی‌را در مبارزه مشترك به نفع کشور مشاهده نمیکردیم وبعضی اوقا ت‌این حق شانرا حتی نفی میکردیم.

طرح جدید برنامه عمل موقف حزب، نقش ومقام آنرا در سیستم اجتماعی وسیاسی درحال تشکل طوری تعیین میکند که حزب واقعا امکان آنرا می یابد تا بمثابه‌نیروی سیاسی رهبری کننده در جهت رسیدن به صلح ملی وعامل قوی در حفظ آن برای آینده مبدل میگردد. علاقمندی همگانی مردم به صلح، اهداف وماهیت سیستم سیاسی جدید را تعیین میکند. آنچه مربوط به ح.د.خ.ا.میشود این حزب علی الرغم ادعای بعضی رفقااز قدرت دست نکشیده ونخواهد کشید. تنها از انحصار قدرت خود داری می نماید تا آنرا ازنگاه ترکیب، اعتبارو پرستیژ وسیع تر بسازد.

ماهیت و خصلت دولت افغانستان نیز به شکل جدید فورمولبندی شده است. این کار اهمیت‌اصولی دارد. زیرا که عدم وضاحت این مساله به ادامه خونریزی وبرادر کشی در کشور مساعدت میکند. موضعگیری حزب عبارت‌از این‌است که خصلت وماهیت دولت افغانستان نه‌از برخوردمحدود حزبی، بلکه از واقعیت عینی وازتوازن حقیقی نیرو ها ناشی میشود. فورمولبندی که در طرح جدید راجع به افغانستان بمثابه يك کشور مستقل، بی طرف وغیر منسلك تعریف شده است به این امر مساعدت مینماید.

این به چه مفهوم است؟

مستقل:

این بدان مفهوم است که افغانستان کشور مستقل و صاحب سرنوشت خویش بوده به جزاراده مردم خویش پابند هیچکس دیگر نیست.

بیطرف:

این بدان مفهوم است که افغانستان در تصادمات و جنگ‌ها در جانب داری از هیچ کشور و یا اتحاد کشور ها شرکت نخواهد کرد.

به این مفهوم که افغانستان‌راه صلح و سازندگی را طی‌خواهد نمود.

به این مفهوم که هیچکس وهیچ وقت افغانستان را وادارنخواهد ساخت تافرزندان آن به‌خاطر منافع بیگانگان خون خویش رابریزانند.

غیر منسلك:

این بدان مفهوم که افغانستان به هیچ پیمان وبلاك سیاسی۔نظامی تجاوز گرانه شامل نخواهد شد. و سر زمین آن در اختیارپایگاه های نظامی خارجی گذاشته نمیشود. این بدان مفهوم است که افغانستان یکجا باسایر کشور های در حال رشد، در راه صلح بدون مسابقات‌تسلیحاتی هستوی، هم درکره زمین وهم در فضا، در راه امنیت پایدار به‌خاطر ایجاد نظم نوین اقتصادی، بخاطر رشد و تکامل همه جانبه خویش‌در شرایط صلح، همکاری‌واعتماد مبارزه خواهد کرد.

حزب ما در زمانیکه این فورمول سه مشخصه توحید موقف افغانستان را آماده میساخت منافع محدود حزبی، یکجانبه و یاگروپی را تعقیب نمیکرد. ما به خاطر صلح ملی و آشتی از محدوده منافع دارای خصلت خصوصی خارج‌شدیم این ستراتیژی ما است که هم تاکتیك و هم تمام کار عملی مارا تعیین میکند. افغانستان چنان خواهدبود طوریکه مردم افغانستان آنرا میخواهند.

طرح جدید برنامه عمل بر خورد مشخص حزب رابا کارآن در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، ملی، ایدیولوژیکی، دفاعی تعیین نموده تمام‌کارآن راتابع تسریع و تحکیم پروسه مصالحه ملی‌میسازد. سازمان ها و کمیته های حزبی بااین کاربه صورت مشخص سمت دهی میشوند که این امر متوجه تطبیق آن آنها در عرصه های مذبور با خط مشی حزب در جهت تحقق مصالحه ملی میگردد.

شکی نیست که طرح جدیدبرنامه ح.د.خ.ا، تاثیر تشویق کننده‌بالای اعضای حزب، و تمام نیرو های پیش آهنگ جامعه و مبارزه آنان به خاطر تسریع پروسه مصالحه‌ملی ورشد وتکامل کشور واردمیسازد.

طرح های برنامه ای را باید با عقول وقلوب پذیرفته وبرنامه‌عمل‌ را به فعالیت عملی تبدیل کرد. اینست مساله اساسی برای حزب به مردم ووطن، که بخاطر آنهاحزب زندگی و مبارزه میکند!

رفقا!

ما در آستانه هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر قرار داریم، به این جشن بزرگ ودرخشان بشریت مترقی نزدیک روز باقی مانده‌است.

انقلاب اکتوبر که بوسیله حزب بلشویکها تحت رهبری لنین کبیر پیروز گردید، وپیدایش دولت طراز نوین یعنی دولت کارگران و دهقانان‌را به‌تمام بشریت نوید داد.

اتحاد شوروی طی هفتاد سال به تسخیر قله های شامخ نایل آمده است و به دولت نیرو مند وتکیه‌گاه صلح و ترقی برای تمام مردمان سیاره مبدل گردید.

کشور لنین وافغانستان مناسبات طولانی حسن همجواری دارند. مردم شوروی که جنگهای زیادی‌رامتحمل شده‌اند، با درك صمیمانه نسبت‌به مردم مابرخورد مینمایند، زیرا «کسی همدردی نشان میدهد که خود به مصیبتی دچار شده‌باشد». اتحاد شوروی برای ماکمك عظیم بی غرضانه را مبذول داشته و با ابعاد بزرگ مبذول مینماید. ساکنین کابل وقریه های‌دورافتاده، سرباز و محصل، کارگرو دهقان این کمك را احساس مینمایند.

دوستی افغان ـ شوروی از طرف پدران ونیاکان مابه ما وصیت شده است. از آزمون زمان موفقانه بدر آمده، رشد میکند و محتوای جدید انترناسیونالیستی راکسب کرده‌است. این دوستی غرور ملی مقدس افغانهاست. این دوستی، از قلبی به قلبی وازنسلی به‌نسلی انتقال‌مینماید، مردم ما میگویند «دوست پدر، میراث گرانبهای فرزند»، هیچ کس‌هرگز نخواهد توانست تا دوستی مارا، خدشه دار سازد. تا زمانیکه‌آفتاب میدرخشد، دوستی افغان‌ـشوروی جاویدان خواهدبود.

مردم ما اطفال ونواسه های مابه دوستی با اتحاد شوروی وفادار خواهند بود.

رفقای نماینده!

اجازه بدهید به نمایندگی از شما ومردم افغانستان‌بمناسبت هفتاد مین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر به کمونیستان، وبه تمام مردم اتحاد شوروی، میخاییل سرگیوویچ گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی ح.ك.ا.ش. تمام‌رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی سپاسگذاری مملو از عشق واحترامی راکه‌ازاعماق قلوب مامنشامیگیرد‌باآرزومندی‌های مبنی بر صلح، سعادت‌وشگوفایی وهمچنان موفقیت های عظیم درکار ایجاد گرانه دررابطه با تحقق عظیم ترین پلانها ابراز نمایم.

رفقا!

ما باید مساله دعوت دومین کنگره ح.د.خ.ا، رابررسی نماییم. از تدویر اولین کنگره حزب‌بیشتراز بیست‌وسه‌سال سپری گردیده‌که‌در ذات خودیك امر غیر عادی بوده وبا نورمهای زندگی حزبی ناسازگار است. برای‌حزب، برنامه عمیق وجدی ضرور است.

برای ماالازم است ترکیب‌کمیته مرکزی وبیروی سیاسی را جدید ساخته، حزب‌رابا طرح هایی‌ازلحاظ ستراتیژیك و تاکتیك برای آینده مجهز ساخته ودر مورد هدف دقیق‌تر بیاندیشیم.

کنگره حزب عبارت‌از عالی‌ترین وبا اعتبار ترین مرجع حزبی می باشد که تصامیم آن‌برای تمام سازمان های حزبی وتمام اعضای حزب حیثیت قانون را دارد. فقط همین مساله برای ماالازمیست.

کنگره های حزب نقش بزرگی رادر تامین وحدت حزب ایفامی نمایند، زیرا که کنگره بمثابه‌ارگان عالی حزب وبمثابه بیان ارادهٔ‌جمعی بدون تردید، اولویت وحدت تمام حزب رابر مسایل فرعی وجزیی آن تعیین میکند. فقط این مساله برای ماضرور است تابه اصطلاح جناحی، گروپی وفرکسیونی‌برای‌ ابد‌خاتمه بدهیم. کنگره‌با کسب‌صلاحیت‌از جانب تمام‌حزب میتواندعلیه تمام‌این‌پدیده‌های‌ناقص‌به‌نمایندگی از تمام حزب برخاسته، اساسات رشد بعدی ح.د.خ.ا، رابمثابه حزب یکپارچه، پیش آهنگ وبمثابه فاکتور تاثیر مترقی بالای تمام جریان حوادث بعدی درکشور بنیاد نهد.

همچنان امکانات مساعد برای استفاده از دهمین سالگرد انقلاب ثور جهت بسیج مردم در مبارزه به خاطر مصالحه وجود دارد. ماالبته نداریم تاریخ را دوباره بنویسیم. ده سال انقلاب ثور برای ماپیخاطری ارزشمند است که مردم بهای‌آنرا بازندهگی وخونشان پرداخته‌اند.

اکثراً از ما میپرسند: اکنون‌ما در مسیر مصالحه پیش میرویم‌و بعداً جواب چگونه میتواند باشد. زمانیکه ما این قسمت راه‌را طی میکنیم و نیز به جدید مبارزه را فرا میگیریم، درکنگره نوبتی‌گردهم آمده وبه صورت دسته جمعی اهداف نوبتی‌راتثبیت خواهیم‌کرد.

اجازه بدهید در باره افسانه آرش کمانگیر یادآوری نمایم. زمانی بود که کشوری مورد تجاوزدشمن خارجی قرار گرفت ومساله تعیین سر حدات آن مطرح شد. اشغال گران شرط گذاشتند در صورتیکه بین افراد شمایك کمانگیرپیدا شود او باید تیر خود را رهاسازد. هر جا که تیرش اصابت کرد همانجا سرحد میگردد. مردم آرش را انتخاب کردند او را تا میدان اندامحت بدرقه نمودند. آرش تمام توان و روح خویش را به تیر خویش انتقال داده آنرا به سوی‌دوردست‌ها رها ساخت و مردم از این کار آرش خوشحال شده او را صدا می زنند و میخواهند از او تشکر نمایند. اما اورا نمی یابند.زیراکه تمام هستیش یکجا با تیر پروازکر ده بود مانند آرش هر فرد حزبی باید تمام زندگی، توان و دانش خویش را وقف امر حزب خویش و امر مصالحه سازد.

به‌خاطرصلح به‌خاطر انسان‌زحمتکش به مصرف برسانید.

از مصالحه باید حمایت کرد!

از مصالحه باید دفاع کرد!

مصالحه را به صورت قاطعانه باید به پیش برد!

مصالحه ملی‌گل زیبا درباغ‌مردم ماست و هر آنچه که از دست ما برآید باید انجام دهیم تا این گل پژمرده نشده، بلکه زندگی‌مارا آراسته سازد.

ما دست آورد هایی هم داریم امااین دست آوردهامیتوانست‌عظیم تر وقانع کننده‌تر باشند. سیاست مصالحه ملی هنوز در آغاز‌راه‌است. آنرا باید تسریع بخشید.

مصالحه‌ملی‌ادامه انقلاب ثور است!

باید کار کنیم، باید فعالیت‌ مبارزه نماییم!

ومصالحه پیروز خواهد شد!

روز اول کار کنفرانس

(بقیه ص اول)

کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. به‌کابل مواصلت نموده است قرائت کرد.

بعداً رفیق صالح محمد زیری در مورد تدابیر جهت تحکیم وحدت صفوف حزبی بیانیه ای ایراد کرده و متن قطعنامه را در این‌زمینه قرائت نمود که به اتفاق آراء به تصویب رسید.

سپس رفقا غلام فاروق یعقوبی عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و وزیر امنیت دولتی، سید محمد گلابزوی عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی‌حزب و وزیر امور داخله، فرید احمد مزدك عضو علی‌البدل بیروی‌سیاسی کمیته مرکزی حزب و منشی اول کمیته مرکزی سازمان دموکراتیك جوانان افغانستان، عبدالحکیم معمار کامبینات خانه سازی کابل‌و عضو بیروی اجرائیوی کمیته‌حزبی شهر کابل و رفیق عبدالقادرآشنا منشی کمیتهٔ حزبی ولایت کندهار در ارتباط گزارش‌اساسی کنفرانس ابراز نظر نموده تائید وپشتیبانی همه جانبهٔ خود را در زمینه تحقق آن اظهار کردند.

درین موقع یکعده از پیشاهنگان بامراسم خاص پیشاهنگی وارد تالارگردیده پیام همبستگی سازمان پیشاهنگان افغانستان را عنوانی شرکت کنندگان دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. قرائت نمودند.

در اخیر درفش یادگاری دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. را رفیق نجیب الله از جانب کمیتهٔ مرکزی ح.د.خ.ا. به سازمان پیشاهنگان افغانستان اهداء کرده و برای یکعده از پیشاهنگان ممتاز نشانها ومدالهای ج.د.ا. را تفویض نمودند.

رفیق نجیب الله، اعضای بیروی سیاسی و سایر نمایندگان منتخب قطعنامهٔ دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. را در رابطه به وحدت حزبی امضاء نمودند.

کار جلسه دیروزی کنفرانس در فضای وحدت و همبستگی انقلابی نمایندگان منتخب دومین‌کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. حوالی ساعت ٦ شام پایان یافت.

به افتخار نمایندگان منتخب در دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا. شام دیروز کنسرت جالبی ازطرف هنرمندان رادیو تلویزیون اجرا گردید.

باختر

نمایی از جریان دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا.

عکاسی باختر

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به دومین کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا

رفقای گرا می !

کمیته مرکز ی حزب کمونست اتحاد شوروی به‌نما ینده‌گان دومین کنفرا نس سرتا سری حزب دمو کراتیك خلق افغا- نستان با گر می شادباش می گوید .

این کنفرانس در شرایطی دایر می‌گردد که در نتیجهٔ سیاست‌مصالحه‌ملی که ازجانب حزب‌شما اعلام گردیده‌است دور نما ییکه مردم از دیرزمانی انتظار آنرا می کشید نـــد مبنی بر استقــرار مجــدد صلح‌و آرامش درکشور ، در برابر خلق افغا نستان بــاز گردیده است .

حزب دمو کراتیك خلــق افغا نستان که‌مبتکر این‌سیاست میباشد به نحو مقنع نشان‌داد که عا لیترین منا فع مردم را ملاك عمل‌خو یش قرار میدهد.

این گام دوراند یشا نه و جسورا نه از جا نب‌مردم افغا نستان به طور شایستهٔ ارزیا بی گردید.

امروز شرایط وا قعی برای تشکیل ارگانها ی‌ائتلا فــی حکومت به‌اشترا ك تمام نیرو های سیاسی که صاد قانــه متما یل به قطع خونریزی اند افغا نستان مستقــل و دارای حاکمیت‌ملی راه‌صلح، دمو ــ کراسی وپیشرفت را درپیش بگیرد به وجود آمده است .

امپریا لیزم وار تجاع منطقه باتعقیب اهداف مغر ضا نه و خصمانه نسبت به مرد م‌افغا- نستان تلاش میور زند تا از ادامه پرو سه مصا لحه ملی جلوگیری نمایند آنها مقیا س های جنگ‌اعلام ناشده علیـه جمهوری دمو کراتیك افغا ــ نستان را گستر ش میدهندو تمام مساعی خویش را بکار میبر ند تابرادر کشی درکشور شمارا طولانی سازند .

کمو نیست ها و تمام‌مرد م شورو ی این اعمال‌جنایتکارانه راقاطعانه محکوم می‌کنند واز مشی حزب دمو کراتیك خلــق افغا نستا ن‌وحکومت جمهوری دمو کراتیك افغانستان معطوف براستقرار صلح در کشور و حل‌و فصل سیاسی هر چه‌زود تر اوضاع اطراف افغانستا ن، بطــور استوار پشتیبا نـــی مینما یند .

ما اطمینا ن داریم که دومین کنفرانس سراسر ی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان به‌امر تحکیم بیشتر و حد ت‌و یکپارچگی حزب شما خدمت کرده به مبارزه حزب به خاطر تحقــق مشی پیشبینی شـده تحرك جدید خوا هد بخشید.

بگذار دوستی شورو ی و افغا ن‌و همکاری برادرا نه بین حزب‌کمو نیست‌اتحاد شوروی وحزب دمو کراتیك خلق افغا- نستان‌مستحکم گرددوگسترش یا بد .

کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی .

به حــــزب

دیروز برین صخرهٔ‌نافرمان
یك رهرو نو آمده بالاشد
در وحشت‌تاریکی ونومیدی
روشن زچراغش دل دنیاشد

**

ازهر قدمش رامزمان‌روشن
ازهر نفسش شور ظفر پیدا
ناممکن ما در عملش ممکن
پنهانی مادر نظرش رسوا

**

این کیست ؟
یکی عارف نوپیدا
یك راه کشای نو منزلها
یك عاشق وارسته زبیم جان
یك تازه نفس هادی محملها

**

در سردی مرگ آوردیروزی
افروخته آتشکده فردا
در سینهٔ تاریکی وخاموشی
یك شور فزایندهٔ بی همتا

**

ماگمشده‌گان ره‌ظلماتیم
ای کاشف رهـهای چراغانی
این قافلهٔ گمشده را در یاب
آنگونه که می شایدومیدانی

**

سلیمان لایق
جلال‌آباد ــ ننگرهار
۱۳۵۹/۱۰/۱۲



عده یی از نما ینده گان منتخب‌در کنفرا نس سرا سری ح.د.خ.ا حین بازدید از یکی از تا سیسات صنعتی شهر کابل .

عکاسی بابه‌خان

پروتوکول همکاری بین ح.د.خ.ا و «سازا»

چندی قبل خبر مر بوط به توافق در بـاره امضای پروتو- کول همکاری بین حزب دمو- کراتیك خلق افغا نستان‌و سازمان انقلا بی زحمتکشان افغا نستان (سازا) از طر یق وسایل اطلا عات جمعی‌منتشر گردیده بـ ود .

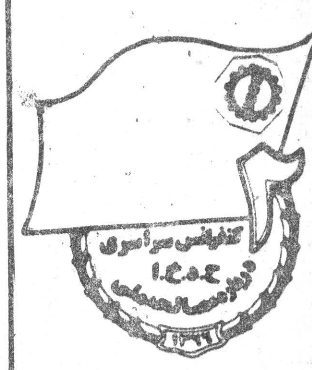
در پر تو مـ شی مصا لحهٔ ملی و به استقبال دومیـن کنفرانس سرتاسری ح.د.خ.ا اخیراً پر و توکول همکاری بین ح.د.خ.ا. وسازا به‌امضاءرسید که فشرده محتوی آن ذیلا بـه اطلاع رسانیده میشود .

با تکیه به وجوه مشترك‌وبا درك ضرورت اتحاد وهمکاری تمام نیرو های متر قـــی، وطنپر ست ملی ودموکرا تیك کشور بخاطر تحقق مصالحهٔ ملی یعنی تامین صلح و قطع خون ریزی در کشور طــرد مدا خلات امپر یا لیستــی و ارتجا عی در امور داخلـــی ح.د.ا. و تلاش مشترك بخاطر پیشر فت اجتما عی‌واقتصادی کشور و رفاه زحمتکشـــان کمیتهٔ مر کزی ح.د.خ.ا. و کمیته مرکزی سازا بمثا بــه سازما نهای سیا سی مستقل همکاری مـ ینما یند .

ح.د.خ.ا. و سازا آینـــده سیاسی کشور را بصـــورت دولت مستقل، دارای حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی، غیر ــ منسلك و دارای اتوریتــه و اعتبار عالی در بین دول‌جهان می بینند که با کشور هـــای همجوار منطقه، جنبش عـــدم انسلاك، ساز مان کنفرا نس اسلامی واعضای سازمان ملل متحد روابط دوستا نه را حفظ و بر قرار خواهد سا خت و این روابط را تو سعه وتحکیم خواهد بخشید .

هر دو جانب از اصول‌صلح وهمبستگی بین المللی دوستی وهمکاری با خلق های جهان پشتیبانی میکنند و علیــه ، ارتجاع ، امپریا لیزم، استعمار نوین ، تبعیض ملی و نژادی مسا بقات تسلیحا تی وسایر مظاهر سیا ست زور وتجاوز مشترکاً می رزمند . همکا ر ی و تشریك مسا عی ح.د.خ.ا وسازا بر مبنای اصول دفاع از مـ نافع و مصالح مــردم، تامین حقوق برابر برای همه ملیت ها و اقوام ساکـن در کشور، دمو کرا تیزه سا ختن حیات سیا سی د ر کـ شور، تلاش بخا طر دیالوگ‌سیاسی بانیرو های که در موضــع مخالف قرار دارند، مبــارزه علیه نیرو ها ئیکه مخالــف منافع وطن و مردم واستقرار صلح در افغا نستان عمل‌می کنند احترام ورعایت اساسات دین مقدس اسلام پشتیبا نـی از دگر گونی های متر قـــی و کوشش در راه انکشـــاف اقتصادی اجتما عی وفرهنگی کشور مبتنی میبا شد .

باختر



نظا م الد ین نجا ت‌منشی کمیته و لایتی ساز ما ن‌دمو- کرا تیك جوانا ن‌و لایت بلخ و نما ینده منتخب دو میـــن کنفرا نس‌سراسری ح.د.خ.ا:

دو مین کنفرا نس سرا ــ سری حزب مادر زما نی‌تدویر می یابد که از طر ف حاکمیت مردمی مابه‌خا طر قطع جنگ‌و تا مین صلح در کشور مشی آشتی ملی اعلام گردیـــد ه است .

این مشی بنا به اراد ه میلیونها انسا ن خستــه از جنگ نه سا له در کشو ر اعلام شد به همین دلیل‌مو رد حما یت و پشتیبا نی همگا نی مردم ما در سر تا سر کشور قرار گر فته است .

آشتی ملی که‌باانفا ذ آتش بس یکجا نبه اعلام شدوظایف بزرگ رادر برابر هر هموطن هر عضو حزب و تمـــا م زحمتکشا ن میهن ما که بـــه آباد ی و آرا می وطن عز یز خود می اند یشد قرا ر میدهد.

روی این دلیل بنا بـــر فیصله ها ی‌پلینوم ما ‌‌ه‌جوزای کمیته مر کزی ح.د.خ.ا. به منظور بررسی پرو سه چندین جانبه مصا لحه ملی در کشور وتا مین هر چه عا جلترصلح درکشوردومین کنفرانس‌سرا- سری حزب مادایر گردید .

بر همین مبنی دو میـــن کنفرا نس و لایتی ساز ما ن حز بی ولایت‌بلخ به منظــور انتخا ب‌نما ینده گا ن منتخب

نماینده گان کنفرانس سخن می گویند

دا یر گردید ، کنفرا نــس کمیته حز بی و لایتی وظایف نو ینی را دررا بطه به‌بسیج هر چه بیشتر جوانان به دور ساز مان‌خود شا ن یعنـــی ساز مان دمو کرا تیك جوانان افغانستا ن ، تحکیم وتقو یت صفو ف حزب از عنا صر آگاه و شایسته که‌درساز ما ن‌دمو- کرا تیك جوانا ن‌افغا نستا ن کارو مبارز ه مینما یند .تقو- یت صفو ف قوای مسلح به منظور دفا ع‌از دستاورد ها ی انقلاب و صلح در کشـــور ، تشدید کار سیاسی درمیا ن جوانا ن و لایت‌و ایجادکورس ها ی سواد آموز ی رادربرابر کمیته هـــا و ساز مان های کمیته‌و لایتی‌ساز ما ن جوانان و لایت بلخ‌قرار داد .

کمیته ها ی‌ماطابق پلا ن تدا بیر ی که‌درین‌زمینــــه تر تیب‌نموده‌اند الی اکنـو ن ۲۰۰۰ تن‌از جوا نان وا جـــد شرا یط سربازی رابه قطعات و جزوتا مهای قوای مسلــح معر فی نموده همچنا ن بـــه همین منا سبت ۴۰۰ جوا ن د یگر در چها ر اردوگاه‌ها ی نظا می ور زشی در قطعا ت وجزوتا مها ی‌قوای‌مسلـــح معر فی گردید .

کار تشدید ی در را بطه به ایجادسازمان ها ی‌او لیـــه جوانا ن در قراء و قصبـــات ادامه دارد . گـروپ هـــای تنویری مابه محلات و قریه‌ها سفر نمود ه و کار ها ی لازم را انجا م داده‌اند .

جوانا ن و لایت ما بادرك رسالت تاریخی شا ن در امر تحقق مشی مصالحه ملی در کشورخو ب‌میدانند که وظا- یف بزرگ در برابر شـا ن قرا ر دارد بد ین ملحو ظبـا تعهدا ت عملی به استقبـا ل تدو یر دو مین کنفرا نــس سرا سری حزب شتا فتند .

همچنا ن جوانا ن و لایت بلخ‌باتما م نیرو به‌خا طــــر تحقق تصا میم دو مین‌کنفرا- نس سراسری حزب در عمل آماده گی دارند تا آنها سهم خود را به مثابه اعمارکننده- گان‌افغانستان‌نوین ادا نمایند.

مرد کار و پیکار

رفیق عبدا لکر یم نا می است آشنا که قریه دا‌شا ن و لایت هرا ت باوجود چنین فرزند ی به‌خود میبالد ،زیرا او فرزند زحمت وکار است، او به این ساده‌گی‌ها برسکوی افتخا ر قرا ر نگر فته‌است ، سالها رنج برده و عر ق‌ریخته زمین رابابازوا ن توانا ی‌خو ــ یش شخم زده و بارور ساخته است ، اما حا صل رنج او به خو دش تعلق نگر فته و باعث رنگین سفره اربابان گـر ــ دید ه است . با پیـــرو زی انقلاب و از آن لحظه یی کــه به حزب محبو بش پیو ست با نیرو و باور را ستین ، صاد قا نه به‌خا طر بهرو ز ی زنده گی مردم‌خویش در برابر اهریمن تبهکار ودژخیمـــا ن سیا هروی باسر سپرده گی رزمید ه است و حما سه های ماندگا ر ازخود بجا گذا شته است در هر دهکد ه وروستایی که‌خفا شا ن شب پر ستبال میگستردند او چو ن فرشته نجا ت لبخند زنده گی رابه ارمغا ن می آورد ، به‌خا طر آنکه لبخند زیباو معصو ما نه بر لبا ن کود کا ن و مردا ن وزنان قریه داد شان جاودانه نقش بر بندد ، شب‌و رو زبه مرد مش می اند یشد ودررا ه آرا مش مردم و به‌خا طرآنکه دیگر صفیر گلو له هابرا ی همیشه خا موش گردد ، مرد- مش را متحد و بسیج ساخت، گروه مدا فعین را ایجادنمود تا در سنگر های دفـــاع از انقلاب وآرا می مرد م برزمند، گروه سپا هیان رزمند ه‌انقلاب را تا سیس کرد تا متحدا نه در راه تا مین صلح در قریه شان برزمند ،او تما شا گر نبود خود نیز مسو ولیــــت بیشتر را بردو ش کشید به به خاطر تامین صلح درکشوربه حیث قوماندان پوسته امنیتـی داد شان به خاطر تا مین‌صلح در کشور با آزرده خـا طـران با گرو پ ها ی مسلح‌مخالف راه صحبت باز نمود تـــا به قریه اش‌زنده گی ببخشد ، زما نیکه دید،عده‌یی‌از آزرده- گان و گرو پ ها ی مسلـح مخا لف به قریه آمدند سراپا خوشی‌ولبخندشد چه‌او طلیعه خو رشید صلح را در قریه‌اش دیدوتلاش نمود تـــا ایـن طلیعه را فروزانتر گرداند .

در خانه های دهکده اش‌که نام از مبارز ه ، صلح به‌میان آید. سیمای‌عبدالکریم درخاطره هازنده میشود وجان میگیرد، زیرا او مردکار و پیکا راست

عظیم

در خارج از کشور

ملاقات با سفیر امریکا

رفیق ادوارد شیوارد نادزی عضو بیروی سیاسی کمیتــه مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ووزیر خار جــهٔ آن‌کشور پریروز جاك ما تلوك سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در اتحاد شوروی‌را بنا به‌تقاضای وی ملاقات کرد .

دراین ملاقات آنها موضوعا ت عمدهٔ مربوط به مناسبات‌اتحاد شوروی ــامریکا رادر پرتـــو دیدار آینده جورج شولتزوزیر خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا ازمسکو مورد بحث قرار دادند.

یگانه راه غلبه

اشترا ك کننده گان کنفرانس بین المللی اتحادیه هـــا ی کارگری پیرامون‌مسا لهٔ‌قروض خارجی که پریروز در هاوانا پایان‌یافت، بااین‌نتیجه رسیدند که وحدت زحمتکشان کشور های در حال رشد در مبا رزه برای حل عادلانهٔ مسا لـــهٔ یاد شده یگانه راه غلبه براین مشکل که جهان روبه‌انکشاف از آن شدیداً متضرر گردیده‌در کو تا ه تـر ین زمان ممکنـه شمرده میشود .

این کنفرانس مصادف بـــا روز عمل علیه قروض خار جی دایر شده بود که به تاریـخ ۲۳ میزان در امریکای لاتین تجلیل گردید و در آن‌نماینده گان چندین کشور امریکـا ی لاتین ، آسیا و افــر یقـــا شرکت داشتند .

نشستی با دیپلوماتها

رهبران جبههٔ‌مردم که‌قدرت را در بودکینا فاسو در دست گرفته اند نشستی را بــــا نماینده گان دیپلوما تیك مقیم آن کشور در اوگا دو گـــو پایتخت بودکینا فاسو دا یـر کردند .

دراین نشست رهبران‌جبههٔ مردم تا ئیدکردند که تو ماس سانکارا رئیس جمهور سابق، وزیر داخله و تعدادی‌ازحامیان نزدیك سانکـــارا در دوران تبادله آتشباری کشته‌شده‌اند.

هنری زونگ و جین بـــاـ پتشتی لنگا نی رهبـــرا ن کود تای اخیر در بود کینـا فاسو تاکید ورزیدند که‌روش های ا داری سانکارا نـادرست بود، لذا اشد ضرورت‌احساس میشد تا این روش حکو مـت تغییر یابد .

ورود به تل ابیب

جورج شو لتز وز یـــر خارجه ایالات متحدهٔ امریکـــا برای یك دیدار چهار روزه از شرق میانه پریروز وارد تل ــ ابیب گردید .

وی از جانب شیمون پریز وزیر خارجهٔ اسرائیل استقبال شد .

جورج شولتز پریروز بـــا سیاستمداران بر جستهٔ‌اسرا- ئیل ملاقات نمود .

وی پس ا ز سفرش بـــه اسرائیل از مصر و عربستان نیز دیدن خواهد کرد .

تقاضای تسلیمی بدون قید و شرط

جو نیوس جایا واردنی‌رئیس جمهور سریلانکا از گروپ ببر های رهایی‌بخش تامیل ایـلام تقاضا کرده که بدون قید و شرط تسلیم شوند .

وی طی مصاحبهٔ باگزارشگـر روزنامهٔ لندن تایمز چـــا پ انگلستان ، در کولمبو گفت: پرابها کاران رهبر این گروپ وگروه وی به خاطر تامیــن تطبیق مندرجات موافقتنا مــه سریلانکا ــ هند پیرامون حل جنگ فرقوی باید دستگیـــر گردند .

وی ضمن ابراز نگرا نـــی در بارهٔ تلفات باشنده گان بی دفاع جفنا جائیکه جنگ‌شدید بین‌نیرو های حفظ صلح هندو افراطیون تامیل جریان دارد، گفت: اگر افراطیون تامیل ها دست به اقدامات تخریب‌کارانه نمیزدند شهر جفنا تخر یــب نمیشد .

استرداد پرسونل بحری ایران

ایالات متحده امریکا چارنفر ازپرسونل بحری ایران راکه در نتیجه حمله اخیرهیلیکوپتر های امریکا یی بر کشتی های ایرانی در خلیج زخمی گردیده بودند به ایران تسلیم کـرده است .

طبق گزارش آژانس خبری رویتر استرداد پرسو نــل بحری ایران پریروز از طریق مامورین سلطان نشین عمان ونماینده گان صلیب احمربین المللی درعما ن صورت گرفت.

پرسونل بحری ایـــران توسط یك طیاره آن کشور به تهران انتقال داده‌شده اجساد دو نفر دیگر از افراد بحر ی ایران که در اثر جراحـــات شدید ناشی ازآن حمله‌ازبین رفته اندنیز توسط این طیاره انتقال داده شد .

باختر

تحت نظر هیات تحریر
مدیر مسوول : م.ح بارق شفیعی

تیلفونها

مدیرمسوول : ۶۲۴۷۴ — سکرتر مسوول : ۶۲۶۱۴ — شعبه اطلاعات : ۶۱۱۱۸ — شکایت وتوزیع : ۶۲۸۵۹
معاون اول : ۶۱۴۵۸ — شعبه نامه ها : ۶۱۷۰۳ — سوچبورد : ۶۱۸۷۸

صندوق پستی ، ۷۸۰ — چاپ ویب آفسیت مطبعه دولتی
حساب بانکی : ۱۰۱۸ ابر ۹ — قیمت یك شماره ۲۰ افغانی